

# سید، هفتمین سید



سرمایه، بدهی، دارایی  
نشریه دانشجویی دانشگاه رازی

سال اول  
شماره دوم  
بهار ۱۴۰۱



ماهنامه علمی ادبی اجتماعی سباد  
سال اول، شماره دوم، بهار ۱۴۰۱

تاریخ صدور و شماره مجوز:  
۱۴۰۰/۰۸/۲۹ - ۹۲۳/ف

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:  
سپیده قمبرعلی باغنی

صاحب نظران بخش علمی:  
دکتر فرزاد ایوانی، دکتر سامان محمدی

دبیر علمی:  
سعید خزایی

دبیر ادبی:  
معصومه احمدیان

دبیر اجتماعی:  
الهام صدیقی

ویراستاران:  
سیروس اسدی، معصومه احمدیان، شیوا شاکری، فائزه چقامیرزایی

تایپیست:  
مرضیه دارایی، زهرا پرویز، مهسا دوکانه


گرافیک و صفحه آرایی:  
معصومه مهدی آبادی

عکاس:  
فائزه چقامیرزایی

هیئت تحریریه:  
سعید خزایی، زهرا پرویز، سارا خسروی پور، معصومه احمدیان،  
زینب ابراهیمزاده، معصومه مهدی آبادی، پریا رسولی، شیوا شاکری،  
مجید رستگاری، نرگس آزادی، الهام صدیقی، فائزه چقامیرزایی،  
حمیدرضا غفاریان

با تشکر ویژه از:  
مژده عزیزی

پل ارتباطی:

 @sabad.nashrie

 @sabad\_razi

## سخن سردبیر

وندرسر من مایه سودا همه تو  
امروز همه تویی، فردا همه تو

ای در دل من میل و تمنا همه تو  
هرچند به روزگار می نگرم

با نام و یاد خدا و تلاش و همت عزیزان نشریه سبد توانست در فروردین ماه ۱۴۰۱ شماره دوم خود را منتشر کند.

نوشتن و نویسندگی یک بازی منظم نا مرتب هست. بازی با کلمات. یعنی کلمات را به قشنگ ترین و بی نظم ترین شکل ممکن کنار هم قرار دادن و ایجاد کردن معجزه ای به نام احساس. نوشتن هنر است و نویسنده هنرمند. تنها یک هنرمند میتواند با بهم ریختن کلمات و قرار دادن کلمات بی ربط در کنار هم دنیای جدیدی را خلق کند.

دنیایی جدید و پر از معنا و احساس که دست مخاطب را میگیرد و همچون مرداب به درون خویش میکشد.

اما گاهی بسیاری از هنرها برای بیان درد و رنگ سیاهی که مردم و جامعه را در بر گرفته است کافی نیست. کفایت نمیکند.

زیباترین و بهترین کلمات هم در بیان درد ادمی فقیر می باشند. ادعایی بر زیبایی و هنرمندی خود ندارند. درد را نمیتوان نوشت درد را نمی توان بیان کرد. نمیتوان به تصویر کشید. دردا باید زندگی کرد، درک کرد و با قلب برای آن اشک ریخت.

فقری که این روزها جامعه و مردم را در اغوش خود گرفته است وسعتش بسیار بیشتر از دایره لغات من میباشد. من هم در برابر این فقر، در برابر همدلی و بیان درد مردم سرزمینم بسیار فقیرم.

کار گروه ادبی و اجتماعی نشریه سبد در شماره دوم در کنار مردمش ایستاده است. در کوچه های تنگ و تاریکی که سالهاست کسی دنبال روشنایی اش نمیگردد. نشسته است از در کنار کودکانی که صدها آرزو بر دل دارند و معنی آرزو را نمیدانند.

سرش را بر بالشتی با شکم گرسنه گذاشته است و اشک کودکی را پاک کرده است و درد دل کسی را بیان نموده است.

اما باز هم ناتوان بوده است از به تصویر کشیدن غم و سیاهی که این روزها همه جا را پر کرده است. کار گروه علمی نیز در شماره دوم با چاپ دو مقاله در موضوعات مختلف در زمینه حسابداری قدمی تازه و بلند تر در سیستم حسابداری نهاده است و سعی دارد اطلاعات بیشتر و جذاب تری را در این راستا بیان کند. و به سهم خود قدمی کوچک برای بهبود و تقویت دانشجویان حسابداری بردارد و به تقویت نقاط ضعف کمک کند.

همچنین کار گروه علمی موفق شد در شماره دوم با راه زنی های مختلف و رفت و آمد های بسیار گفتگو و نشست خصوصی با دکتر سامان محمدی هیت علمی دانشگاه رازی داشته باشد. و در این مصاحبه توانست اطلاعات خوب و مفیدی که شاید سوال خیلی از دانشجویان حسابداری می باشد و هنوز مسیر و هدف خود را پیدا نکرده اند و اطلاعات کافی را در زمینه حسابداری ندارند در اختیارشان قرار دهد.

سپیده قمبر علی باغنی

# بخش علمی

اقدامات حسابداری در پایان سال مالی

انبار گردانی

حسابداری محافظه کارانه

انواع شرکت‌های تجاری

مصاحبه با دکتر سامان محمدی

معرفی کتاب حسابداری بورس به سبک وارن بافت

و ...

# اقدامات حسابداری در پایان سال مالی

سعید خزایی

دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه رازی

عنوان مقاله :

اقدامات حسابداری در پایان سال مالی



دوستان و همراهان عزیز، سلام. در این مقاله قصد دارم چند نکته کاربردی در خصوص عملیات پایان سال حسابداری، چگونگی بستن حساب‌ها و نحوه محاسبه عیدی و سنوات در سال مالی را برای شما عنوان کنم. با توجه به نزدیک شدن به پایان سال، قطعاً خیلی از حسابداری‌های عزیز برای نحوه اصولی بستن حساب‌ها و از قلم نینداختن عملیات مهم حسابداری دغدغه دارند. با من همراه باشید.

## چرا عملیات پایان سال مالی انجام می‌شود؟

شرکت‌ها و کسب و کارهای کوچک، در پایان هر سال، تمامی حساب‌های خود را می‌بندند؛ به عبارت دیگر، مانده کلیه حساب‌ها را صفر می‌کنند. این عملیات در حقیقت به معنای اتمام دوره مالی است؛ بدین ترتیب کلیه اطلاعات مالی و حسابداری به سال بعد (دوره مالی جدید) انتقال می‌یابد. به عبارت دیگر می‌توان هدف از انجام عملیات پایان سال حسابداری و بستن سال مالی را به صورت زیر بیان نمود:

- اتمام دوره مالی و آغاز سال مالی جدید.
- جمع‌آوری کلیه اطلاعات مالی و مانده حساب‌ها جهت انجام تکالیف قانونی.
- پیشگیری از حجیم شدن اطلاعات مالی.

از این رو عملیات پایان سال حسابداری و بستن حساب‌ها در حسابداری از اهمیت فراوانی برخوردار است.

## چک لیست اقدامات حسابداری در پایان سال مالی

زمانی که صحبت از عملیات پایان سال حسابداری می‌شود، عموم حسابداری‌ها به بستن حساب‌ها فکر می‌کنند؛ علی‌رغم اینکه بستن حساب‌ها مهم‌ترین بخش عملیات پایان سال حسابداری است، اما تنها بخش نیست. مراحل عملیات پایان سال حسابداری عبارتند از:



## ۱- فرآیند اجرایی

- تکمیل دفاتر قانونی (روزنامه - کل).
- بایگانی کلیه اسناد و مدارک.
- اقدام برای پلمپ و دریافت دفاتر قانونی سال مالی جدید.
- انبارگردانی مطابق دستورالعمل ۸۰۱۹۷/۲۵۱ انبارگردانی و تهیه اسناد مرتبط با انبار.

## ۲- فرآیند محاسباتی

- انجام محاسبات مربوط به مطالبات کارکنان (عیدی، سنوات، مرخصی، پاداش)
  - انجام محاسبات مربوط به کسر و اضافات انبار بر اساس انبارگردانی (در ادامه به بحث انبارگردانی می پردازیم)
  - انجام محاسبات مربوط به تنخواه و تنخواه گردانها
  - تهیه گزارشات و صورت‌های مالی و مالیاتی (صورت سود و زیان، گزارش عملکرد و ...)
- ## ۳- فرآیند ثبتی (درآمدها و هزینه‌ها)

- ثبت اسناد هزینه‌ای نظیر حقوق و مزایای پرسنلی، اجاره، پاداش‌ها و مواردی از این دست.
- الف) اگر هزینه قطعی شده باشد در بخش هزینه‌ها و بدهی‌های جاری ثبت می‌شود.
- ب) اما اگر هزینه تنها برآورد و شناسایی شده باشد در بخش ذخیره هزینه‌های تحقق یافته پرداخت نشده ثبت می‌شود.
- ثبت درآمدهای تحقق یافته وصول شده و وصول نشده در حساب‌های مربوطه؛ از جمله: حساب‌های دریافتی، صندوق و ...

## ۴- فرآیند تهیه لیست بدهکاران، بستانکاران و

### پروژه‌ها

- تهیه لیست حساب‌های دریافتی به تفکیک سازمان‌های بیمه‌ای طرف قرارداد نظیر بانک‌ها، نیروهای مسلح، کمیته امداد و ... به تاریخ ۲۸/۱۲ سال جاری
- تهیه لیست پیمانکاران، اشخاص، شرکت‌ها و مانده حساب تضمینات و سپرده‌های دریافتی به تاریخ ۲۸/۱۲ سال جاری
- تهیه لیست پیش پرداخت‌ها، علی‌الحساب‌ها و ... به تاریخ ۲۸/۱۲ سال جاری
- نکته: علی‌الحساب‌های پرداختی به پرسنل و ... باید تا پایان سال جاری تصفیه شود.
- تهیه لیست پروژه‌ها و دارایی در جریان تکمیل یا ایجاد؛ همچنین تهیه لیست پروژه‌هایی که تا آخر سال جاری به بهره‌برداری رسیده و تحویل قطعی شده‌اند.
- تهیه لیست آخرین سریال حساب‌های بانکی فعال شرکت



## ۵- فرآیند کنترلی

- کنترل و اطمینان از ثبت کلیه رویدادها.
  - کنترل سیستم حسابداری جهت بررسی ثبت قطعی اسناد.
  - کنترل مقدار گردش ریالی انبار با ارقام ترازنامه.
  - کنترل مقدار ریالی گزارش دارایی‌ها با ارقام ترازنامه
  - کنترل دقیق کلیه حساب‌ها و مانده‌گیری از آن‌ها.
  - کنترل کلیه صورت‌های مالی و گزارشات (حسابرسی داخلی).
- ۶- فرآیند بستن حساب‌ها (در ادامه به نحوه بستن حساب‌ها می‌پردازیم)

- بررسی و رفع مغایرت‌های بانک‌ها و طرف حساب‌ها.
- بستن حساب‌های موقت با انتقال مانده آن‌ها به حساب‌های دائم.

## ۷- فرآیند صدور اسناد مالی پایانی

- صدور سند تعدیل ماهیت
- صدور اسناد تعدیلات سنواتی در حسابداری
- صدور سند اختتامیه
- صدور سند افتتاحیه

**نکته:** مهم‌ترین مرحله پیش از آغاز عملیات پایان سال حسابداری، بررسی صحت اسناد و مدارک و قطعی شدن کلیه اسناد موقت در سیستم حسابداری است. زیرا در غیر این صورت مانده حساب‌ها به سال بعد منتقل نمی‌شوند؛ که موجب اختلال در ثبت سند اختتامیه و به دنبال آن سند افتتاحیه سال بعد می‌شود.



## فرآیند بستن حسابها در انتهای سال مالی

بستن حسابها یک فرآیند حساس و چند مرحله‌ای است؛ که عدم رعایت نکات مربوط به آن می‌تواند شرکت را با مشکلات زیادی مواجه نماید. در اینجا شما را با مراحل انجام آن به ترتیب اولویت آشنا می‌کنیم.

### دلایل اهمیت بستن حسابها

از مهم‌ترین دلایل بستن حسابها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- صفر کردن حسابهای درآمد و هزینه.
- پیشگیری از انباشته شدن اطلاعات حسابداری و مالی.
- سهولت در رسیدگی به حسابها در دوره مالی.
- کنترل قطعی شدن کلیه اسناد در سیستم.

نکته: همان‌گونه که می‌دانید به هنگام بستن حسابهای موقت، مانده آنها به یک حساب دائمی منتقل می‌شود. از سویی محاسبات عملکردی هر مجموعه بر اساس حسابهای درآمد و هزینه انجام می‌شود، که حسابهای موقتی هستند؛ از این رو فرآیند صفر کردن حسابهای درآمد و هزینه و محاسبه صورت سود و زیان برای دوره مالی، یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت بستن حسابها است؛ که بسیار حساس و نیازمند دقت فراوان می‌باشد.

### بستن حسابهای موقت

حسابهای موقت (حساب سود و زیانی یا درآمد و هزینه) حسابهایی هستند که از دوره قبل مانده نمی‌پذیرند؛ مانده آنها نیز به دوره بعد نیز انتقال نمی‌یابد. مانده این حسابها در ابتدای سال صفر است و در پایان سال مالی با بستن حسابها مانده آنها صفر می‌شود؛ به عبارت دیگر، این حسابها تنها طی دوره معتبرند.

### روش کار

- بستن حسابهای موقت بنا به ماهیت حسابها در حسابداری؛ مثلاً حسابهایی با مانده بدهکار، بستانکار و حساب خلاصه سود و زیان (سود و زیان جاری) بدهکار می‌شود

- انتقال مانده به یک حساب دائمی (ترازنامه‌ای)
- حسابهای موقت در پایان دوره مالی به عنوان یک مبلغ بسته به ماهیت بدهکار یا بستانکار به “حقوق صاحبان سهام / سود و زیان انباشته” اضافه یا کسر می‌گردد. این عملیات ممکن است در چندین مرحله انجام شود.

### بستن حسابهای دائمی

- حسابهای دائمی که مانده بدهکار دارند (مانند حساب دارایی) به حساب تراز اختتامیه بستانکار می‌گردد.
- حسابهایی که مانده بستانکار دارند (مانند حسابهای سرمایه، بدهی و ذخایر) به حساب تراز اختتامیه بدهکار می‌شود.

### فرآیند صدور اسناد مالی پایانی

یکی از مهم‌ترین کارها در هنگام انجام عملیات پایان سال حسابداری، صدور سندهای اختتامیه سال مالی قبل و افتتاحیه سال مالی جدید است. اما پیش از آن باید نسبت به تعیین تکلیف حسابهایی که مانده آنها با مقادیر حسابهای معین مغایرت دارد، اقدام نمود؛ در واقع باید مانده این حسابها با مانده حسابهای معین مربوطه برابر شود. این اتفاق با صدور سند تعدیل ماهیت انجام می‌شود.

### صدور سند تعدیل ماهیت

گاهی مانده برخی از حسابها با مانده دفاتر معین مغایرت دارند. برای حل این مشکل باید ماهیت آنها را تعدیل نمود. برای تعدیل ماهیت این قبیل حسابها، باید طرف مقابلهایی، به میزان مغایرت دو حساب تعریف نماییم؛ تا حسابهای دارای مغایرت با طرف مقابلهای جدید بسته شوند. طرف مقابلهای جدید باید:

- ماهیتی مخالف حساب مغایر داشته باشند.
- از نظر سطوح تفضیلی، دقیقاً مانند حساب مغایر باشند.



## صدور سند اختتامیه در پایان سال جاری

عملیات صدور سند اختتامیه به صورت زیر انجام می‌شود:

- بستن حساب‌های ترازنامه‌ای (حساب‌های دائم)
  - انتقال مانده حساب‌های دائم به سال مالی بعد
- صدور سند افتتاحیه در ابتدای سال مالی جدید

عملیات صدور سند افتتاحیه به صورت زیر انجام می‌شود:

- ایجاد سال مالی جدید
  - انتقال مانده حساب‌های دائم (ترازنامه‌ای) به حساب‌های متناظر در سال بعد
- نکته: دقت کنید که سند افتتاحیه در انتهای سال مالی جاری صادر می‌شود؛ نه در سال مالی جدید.

## فرایند انبارگردانی چیست؟ و با چه هدفی انجام می‌شود؟

انبارگردانی فرایندی است که در دوره‌های مختلف از جمله انتهای سال مالی انجام می‌شود. انبارگردانی در واقع این روش یکی از رایج‌ترین و دقیق‌ترین روش‌های کنترل موجودی انبارها به شمار می‌رود.



## انبارگردانی چیست؟

- ایجاد اطمینان از اعداد بکار رفته در صورت‌های مالی
- جداسازی اجناس ضایع شده (غیرقابل مصرف) و ایجاد نظم در انبار
- افزایش صحت عملکرد حسابداران و انباردارها

### انواع انبارگردانی

- انبارگردانی پایان سال
- انبارگردانی میان دوره
- انبارگردانی رندم یا موردی
- انبارگردانی مستمر
- انبارگردانی ناگهانی

### انبارگردانی چه مزایایی دارد؟

- شرکت حسابداری و یا حسابداران با نظارت کردن دقیق بر موجودی انبار، از افزایش یافتن بیش از حد کالاها در انبار جلوگیری می‌کنند و درنهایت از خرابی کالاها و زیان‌هایی که به دلیل تغییر قیمت کالاها ایجاد می‌شود جلوگیری به عمل می‌آورند.
- دریافت و استقرار یافتن کالاها، حفاظت از آنها و در دسترس بودن موجودی‌ها در انبار به آسانی انجام می‌شود و نیازهای سازمان به موقع برطرف می‌شود.
- از سفارش‌های تکراری جلوگیری می‌شود.
- اطلاعات مورد نیاز مدیران در رابطه با مقدار موجودی کالا و میزان مصرف آن به موقع تهیه و شمارش به آسانی صورت می‌گیرد.

- به محلی که یک یا چند نوع کالای صنعتی، بازرگانی، مواد اولیه یا فرآورده‌های مختلف که بر پایه‌ی یک سیستم صحیح طبقه‌بندی شده‌اند را انبار می‌گویند. انبار از لحاظ شکل به سه دسته پوشیده، سرپوشیده یا هانگارد و باز یا محوطه دسته‌بندی می‌شود. انبارگردانی یکی از اصول اجرایی پایان سال مالی است. براساس استانداردهای حسابداری حداقل هر سال برای یکبار انبارگردانی باید در انبارهای شرکت‌های بازرگانی، تولیدی و صنعتی صورت گیرد. البته با توجه به ابعاد و اهمیت کالاها این زمان می‌تواند کوتاه‌تر هم در نظر گرفته شود. در کل انبارگردانی به منظور ایجاد اطمینان از وجود کمی و کیفی و کنترل کالاها انجام می‌شود. از جمله کارهایی که در زمان انبارگردانی اجرا خواهد شد:

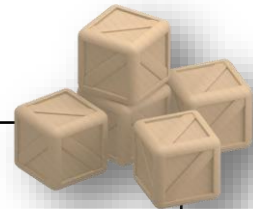
- الصاق تگ به کالا
- پلمب انبار
- عدم ورود و خروج کارکنان و افراد به انبار
- مرتب سازی کالاها

### هدف از انبارگردانی چیست؟

- هدف مهم از انبارگردانی کنترل موجودی که یکی از اقلام مهم دارایی‌ها است و همچنین کنترل ارزش موجودی است که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در میزان سود و زیان شرکت‌ها دارد. به همین دلیل در هر دوره مالی لازم است که یک شرکت حسابداری و حسابداران دست کم یکبار کل موجودی‌های شرکت را شمارش نمایند تا از عدم مغایرت موجودی‌ها با کاردکس حسابداری و کاردکس موجودی انبار اطمینان حاصل شود. فقط هنگامی که موجودی کالا محدود و کم باشد شرکت حسابداری و حسابداران لزومی به انجام انبارگردانی نمی‌بینند. در غیر این صورت برای کنترل موجودی انبار به یک سیستم و روش صحیح و دقیق نیاز است. در کنار کنترل موجودی و ارزش آن، انبارگردانی به اهداف زیر نیز انجام می‌شود:

## فرآیند انبارگردانی

فرآیند انبارگردانی باید با حضور انباردار و حسابرس و مسئول انبارگردانی انجام شود. در پایان طبق گزارش انبارگردانی، کسری و اضافات به مدیریت گزارش می‌شود تا تصمیم‌گیری در خصوص صدور سند تعدیل انبار و سند حسابداری اضافات و کسری‌ها اتخاذ گردد. اگر بعد از اجرای انبارگردانی کسری یا اضافات انبار وجود داشته باشد کل خالص اضافات و کسری‌ها به بهای تمام شده بسته خواهد شد. ثبت حسابداری کسری یا اضافات انبار بعد از اجرای عملیات انبارگردانی به صورت زیر خواهد بود:



شرح	بدهکار	بستانکار
موجودی مواد و کالا	***	
سایر درآمدها و هزینه‌های عملیاتی		***
کسری و اضافات انبارگردانی		***

در صورتی که اضافات انبارگردانی داشته باشیم و بر اساس مبنای ثبت، مدارک انبارگردانی و تاریخ، ثبت پس از عملیات انبارگردانی پایان سال بشرح ذیل صورت می‌گیرد:

در صورتی که کسری انبارگردانی داشته باشیم و بر اساس مبنای ثبت، مدارک انبارگردانی و تاریخ، ثبت پس از عملیات انبارگردانی پایان سال بشرح ذیل صورت می‌گیرد:



شرح	بدهکار	بستانکار
سایر درآمدها و هزینه‌های عملیاتی	***	
کسری و اضافات انبارگردانی	***	
موجودی مواد و کالا		***

## بیست و شش دستورالعمل انبارگردانی

### الف - مرحله قبل از آغاز شمارش در انبارگردانی:

دستورالعملی برای شمارش توسط هماهنگ کننده ارائه خواهد شد که باید به طور کامل مورد بررسی قرار گیرد. وجود هرگونه مشکل باید قبل از شروع شمارش اطلاع داده و بر طرف گردد. مراحل قبل از آغاز شمارش به صورت زیر است:

۱- انبارگردانی موجودی‌های جنسی از ساعت ..... صبح مورخ ...../...../۱۳ آغاز و در ساعت..... مورخ ...../...../۱۳ خاتمه می یابد.

۲- مسئول انبار گردانی قبلاً انبار را مورد بازدید قرارداد و در صورت وجود اشکال در هر زمینه (چیدمان و الصاق تگ کالا؛ امکانات مورد نیاز و...) قبل از شروع عملیات شمارش؛ موارد مشاهده شده را با مسئولین مربوطه حل نماید.

۳- مشخص نمودن کلیه مواد و کالاهای ضایعاتی از دیگر موجودی‌ها.

۴- تفکیک نمودن کلیه اقلام راکد و معیوب از دیگر موجودی‌ها.

۵- جدا نمودن مواد و کالاهای امانی دیگران نزد شرکت از دیگر موجودی‌ها.

۶- گروه‌های شمارش در قالب ..... تیم ..... نفره و مسئول ثبت که توسط مسئول انبارگردانی تعیین می-گردند در زمان‌های مقرر اقدام به انبارگردانی می‌نمایند ضمناً افراد فوق‌الذکر قبلاً آموزش کافی دیده باشند.

۷- پیش از اجرای موجودی برداری شماره و تاریخ آخرین رسید و حواله منتهی به تاریخ شروع موجودی برداری توسط مسئول انبارگردانی اخذ و یادداشت گردد.

۸- اقلام به شکلی چیده شده باشند که شمارش به آسانی انجام پذیرد و تگ‌ها بر تک تک کالاها نصب شده باشند و اگر کالایی مازاد بوده و چون جزء موجودی نبوده تگ ندارد باید بدان تگ سفید اختصاص یافته تا در شمارش منظور گردد.

۹- در مواقع استثنائی که نیاز مبرم به ورود و خروج کالا از انبار در زمان انبارگردانی باشد حتماً باید با نظارت هماهنگ کننده انجام و حواله و رسیدهای مذکور باید توسط هماهنگ کننده انبارگردانی امضا و مشخص گردد که خروج یا ورود کالا قبل و یا بعد از انبارگردانی بوده است.

۱۰- با توجه به اعلام روزها و ساعات شمارش انبار؛ به قسمت های مختلف کارگاه چند روز قبل از انبارگردانی؛ لازم است عوامل اجرایی جهت برآورد و دریافت احتیاجات خود و یا صدور سند و ..... قبل از روزهای تعیین شده به انبار مراجعه نمایند.

### ب- مرحله در حین شمارش در انبارگردانی:

در ساعات تعیین شده قبلی گروه‌های ویژه انجام عملیات شمارش در محل‌های مربوط به خود مستقر شده و بعد از شمارش هر یک از اقلام برگه‌های مربوط به شمارش هر یک از اقلام را کامل امضاء نمایند. موارد تکمیلی مرحله در حین شمارش به صورت زیر است:

۱۱- مسئولین انبارها نبایستی در امر شمارش دخالت مستقیم داشته باشند.

۱۲- به منظور سهولت در امر شمارش از تگ‌های تهیه شده که دارای سه قسمت بشرح زیر است استفاده می-گردد.

۱۳- هر قسمت دارای (شرح - کد- واحد کالا) نام انبار - نام و نام خانوادگی شمارش‌گر و ناظر است.

۱۴- موجودی برداری توسط گروه‌های دونفری انجام می‌شود. یک فرد شمارش را انجام داده و فرد دیگر ضمن تأیید شمارش؛ آن را ثبت نماید. تا آنجا که امکان دارد یکی از افراد گروه دو نفری باید به گونه‌ای انتخاب گردد که با موجودی‌ها آشنا بوده و به آسانی بتواند نوع و مشخصات موجودی‌ها را با مشخصات ثبت شده تطبیق داده و در صورتی که مشخصات بر روی اجناس نصب نشده باشد بتواند مشخصات و نوع اجناس را تشخیص دهد.

۱۵- چنانچه موجودی‌هایی براساس وزن ثبت می‌شوند اطمینان حاصل شود تا وسایل لازم برای توزین در دسترس باشد.

۲۲- پس از شمارش در پایان هر روز کلیه انبارها با حضور ناظر حسابرسی انباردار و توسط هماهنگ کننده انبار گردانی پلمپ و در روز بعد توسط افراد فوق فک پلمپ می‌شود.

۲۳- در زمان انبارگردانی عملیات تحویل و تحول در کلیه انبارها متوقف است. ج- مرحله بعد از پایان شمارش در انبارگردانی:

بعد از اتمام عملیات شمارش و تکمیل برگه‌های شمارش لازم است سرپرست شمارش برگه‌ها و تگ‌های شمارش ارقام را جمع‌آوری نموده و تمامی آن‌ها را در اختیار هماهنگ کننده انبارگردانی قرار دهد. مراحل بعد از شمارش موجودی‌ها در موارد زیر آمده است:

۲۴- کلیه تگ‌های شمارش (شامل تگ‌های استفاده شده باطل شده و استفاده نشده) به مسئول انبارگردانی جهت کسب اطمینان از استفاده درست از تمام برگه‌های شمارش تحویل شوند.

۲۵- بررسی مغایرت و اصلاح مدارک پس از تایید مدیریت امکان‌پذیر خواهد بود.

۲۶- صورت نهایی انبارگردانی توسط مسئول انبارگردانی تهیه تا پس از تایید مسئولین شمارش و مسئول انبار و سرپرست کارگاه جهت هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص کسری و اضافات موجودی‌ها به مدیریت مالی ارجاع می‌شود.

۱۶- پس از شمارش موجودی‌ها و جمع‌آوری تگ‌های اولین شمارش؛ داده‌ها توسط مسئول ثبت اسناد به کامپیوتر وارد و ارقام مغایرت‌دار توسط تیم بعدی شمارش دوم؛ و در صورت مغایرت بعدی در شمارش سوم توسط تیم جدید شمارش و شمارش سوم نهایی تلقی می‌گردد.

۱۷- برای جلوگیری از شمارش مجدد و یا شمارش نشدن پاره‌ای از موجودی‌ها؛ شمارش بایستی به شکل اصولی انجام پذیرد و مثلاً موجودی‌ها را ردیف به ردیف (از ابتدا تا انتها) شمارش نموده و اجناس شمارش شده را با علامت‌گذاری مشخص نمایند.

۱۸- امضاء تمام تگ‌های شمارش و هرگونه اصلاح در آن‌ها بوسیله تیم شمارش‌گر هر مرحله ضروری است.

۱۹- موجودی‌های معیوب، فاسد، کم‌مصرف و غیر استاندارد باید با ذکر مورد در برگه‌های شمارش ثبت و در صورت نهایی انبارگردانی انعکاس یابد.

۲۰- بطور نمونه باید محتویات تعدادی از موجودی‌های سربسته توسط گروه‌های شمارش‌کننده مورد شمارش قرار گیرد.

۲۱- در مورد اقلامی مانند مصالح باسنجش خاص؛ یا نظر کارشناسان (دفترنی) بطور نسبتاً معقول برآورد گردد.

## نمونه لیست انبارگردانی

شرکت نمونه							تاریخ:			
لیست انبارگردانی							نام انبار:			
سال مالی .....							کد انبار:			
ردیف	شماره تگ	کد کالا	شرح کالا	موجودی کاردکس	شمارش اول	شمارش دوم	نتیجه شمارش اول و دوم	شمارش سوم	اضافه و (کسری)	موجودی نهایی

۱  
۲  
۳  
...

# کسب و کارها باید اصول حسابداری محافظه کارانه را باز پس گیرند

کسب و کارها باید  
اصول حسابداری  
محافظه کارانه را باز پس  
گیرند.  
کارتیک رامانا (۲۰۲۰)

ترجمه: زهرا پرویز  
کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی کبیر غرب کرمانشاه  
عنوان مقاله:  
**Businesses Must Reclaim Prudent Accounting Principles**



**خلاصه:** حسابداری محافظه کارانه با کمک به شرکت‌ها برای سبک نگه داشتن دارایی‌ها و مجبور کردن آن‌ها به حذف پروژه‌های بی‌ارزش هنگام آشکار شدن زیان‌هایشان، حتی در زمان‌های خوب دیگر، به تعادل نیروهایی می‌پردازد که یک کسب و کار را به سمت کارآمدی و تاب‌آوری می‌کشاند.

کووید-۱۹ فراتر از تلفات انسانی، تلفات اقتصادی ترسناکی را بر ما وارد کرده است. ظرف تنها دو هفته در اواسط مارس ۲۰۲۰، کل صنایع و بخش‌ها به طور ناگهانی از کار باز ایستادند. به عنوان مثال، در بریتانیا، تولید خودرو از بیش از ۷۰۰۰۰ خودرو در آوریل ۲۰۱۹ به تنها ۱۹۷ خودرو در آوریل ۲۰۲۰ کاهش یافت؛ برای گذر از چنین بحرانی، یک کسب و کار باید هم کارآمد و هم تاب‌آور باشد. حسابداری محافظه کارانه - یک مفهوم از حسابداری جامع بوده به این معنا که باید آستانه بالاتری برای شناسایی سودهای پیش‌بینی‌شده نسبت به شناسایی زیان‌های پیش‌بینی‌شده وجود داشته باشد. ما امروز با پیامدهای این امر زندگی می‌کنیم: یعنی اقتصاد، مملو از ترازنامه‌های بد است که در زمان وقوع ناگهانی بحران، پشتیبانی مالی زیاد را ضروری می‌کند. امروزه، با بازگردانیم.

به همین ترتیب، وقتی یک شرکت محافظه کار بدهی را افزایش می‌دهد، علی‌رغم سوگیری نزولی در حساب‌هایش، این کار را انجام می‌دهد، به طوری که بدهی امن‌تر است و بر روی جایگاه محافظه کارانه‌تری قرار می‌گیرد. این باعث می‌شود شرکت و بستانکار آن در هنگام وقوع ناگهانی بحران کمتر احتمال شکست را داشته باشند و در نهایت، شرکت با محافظه کاری در زمان‌های خوب، زودتر زیان‌ها را تشخیص داده و مقیاس پرداخت سود سهام و پاداش خود را کاهش داده است. این به این معنی است که در سرمایه انباشته واسطه بیشتری برای عبور از بحران وجود دارد.

### بازگشت به محافظه کاری

محافظه کاری هم یک اصل نظارتی و هم یک ذهنیت مدیریتی است. بنابراین برای بازگرداندن محافظه کاری به حسابداری به دو لایه اقدام نیاز است. اولاً، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (و مشابه آن در سراسر جهان) باید دستور دهد که هر کدام از استانداردهای حسابداری جدید و در واقع هر استاندارد حسابداری صادر شده از حدود سال ۲۰۰۰ با آزمون محافظه کاری تطبیق داشته باشد. به عبارت دیگر، قبل از این که شرکت‌ها بتوانند سود (یا اجتناب از ضرر) را بر اساس سود مورد انتظار آتی ثبت کنند، این استانداردها باید به شواهد عینی نیاز داشته باشند.

ثانیاً، هیئت‌مدیره و حساب‌رسان باید هنگام تأیید قضاوت‌های مدیرعامل و مدیر مالی در مورد آیتم‌های کاملاً اختیاری مانند سرمایه‌گذاری دارایی‌های نامشهود و اجتناب از هزینه‌های سرقفلی، شک و تردید بیشتری داشته باشند. مدیریت ارشد در پیش‌بینی چنین تأخیری، استانداردهای بیشتر خود را در اتخاذ این تصمیم‌ها تحمیل می‌کند و در نتیجه ترازنامه‌های با کیفیت بیشتر را فراهم می‌نماید.

محافظه کاری در اقدامات حسابداری حداقل از دهه ۱۴۰۰ وجود داشته است، و در اواخر قرن نوزدهم و پیدایش سرمایه‌داری مدرن، به عنوان یک اصل توسعه یافته در نظر قرار گرفته بود. ما اخیراً به طرز جاهلانه‌ای این تاریخ را کنار گذاشتیم، اما بعد از دو بحران مالی بزرگ و تریلیون‌ها پشتیبانی مالی، باید آن را باز پس گیریم. شرکت، کمتر مستعد تحمل هزینه‌های ناخواسته است که تسکین بزرگی برای همه از جمله مالیات-دهندگان است.

### چگونه محافظه کاری تاب‌آوری و کارآمدی را متعادل می‌کند؟

تاب‌آوری به معنای توانایی تحمل و بازیابی از شوک‌های منفی است. تاب‌آوری آهسته کار کردن است. یعنی قابلیت جذب شکست و ادامه دادن رو به جلو. اگر به جای از کار اندازی آن بخش زیان‌ده، به حفظ آن ادامه دهید، یک فرد تاب‌آور نیستید. همچنین اگر در رشد کسب و کار خود از بدهی کم کاربرد استفاده کرده‌اید، یک فرد تاب‌آور نیستید، زیرا این امر به احتمال زیاد به این معنا است که به سطحی که اکنون بتوانید از عهده چندین شکست برآیید، تنوع نداده‌اید.

کارآمدی به سادگی به معنای برون‌داد بیشتر و اتلاف کمتر برای مقدار مشخصی از درون‌داد (منابع) است. سازمان‌های کارآمد نسبت به هم صنایع خود دارایی سبک و اهرم بیشتری دارند. به نظر می‌رسد ویژگی‌هایی که ظاهراً آن‌ها را تاب‌آورتر می‌کند ذخایر کمتری برای استفاده در هنگام بدبختی دارند. اما سبک بودن دارایی‌ها واقعاً به این معنی است که وقتی نیاز به حرکت سریع دارید، بار اضافی کمتری حمل می‌کنید؛ نه این که خود را از بارهای اصلی و ضروری رها کرده‌اید. شرکت‌ها، مانند افراد با رژیم‌های جاه طلبانه، اغلب در تلاش برای روند لاغر شدن، این اشتباه را مرتکب می‌شوند. به طور مشابه، داشتن اهرم بیشتر از هم صنایع خود به این معنی است که می‌توانید با سرمایه کمتر کارهای بیشتری انجام دهید، که می‌تواند زمانی که سرمایه اندک است، مانند زمان بحران، بسیار سودمند باشد. نکته کلیدی این است که فقط به همان اندازه که برای عمل در مقیاس و دامنه کارآمد نیاز دارید، اهرم را فرض کنید و نه اینکه مانند چندین بانک قبل از آخرین بحران مالی، اهرمی را برای پرداخت سود سهام یا پاداش فرض کنید.

حسابداری محافظه کارانه با کمک به شرکت‌ها برای سبک نگه داشتن دارایی‌ها و مجبور کردن آن‌ها به حذف پروژه‌های بی‌ارزش هنگام آشکار شدن زیان-هایشان، حتی در زمان‌های خوب دیگر، به تعادل نیروهایی می‌پردازد که یک کسب و کار را به سمت کارآمدی و تاب‌آوری می‌کشاند. از این‌رو، چنین شرکتی احتمالاً کمتر به صرف پول بیشتر روی یک معامله زیان-ده پرداخته و به کاهش اتلاف در شرکت و اقتصاد می-پردازد و زمانی که روزهای بد ناگهان شکل می‌گیرند،

## انواع شرکتهای تجاری

سارا خسروی پور

دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه رازی

عنوان مقاله :

انواع شرکتهای تجاری

تعریفی که از شرکت در قانون مدنی آمده کافی نیست. تعریف شرکت طبق ماده ۵۷۱ قانون مدنی: شرکت عبارت است از: «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه» و در قانون تجارت نیز از آن تعریفی به عمل نیامده است. اما در تعریف شرکت به مفهوم تجاری آن می‌توان گفت: شرکت عقدیست که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند آورده‌های خود را به قصد تحصیل سود مشترکاً مورد تجارت قرار دهند.

شرکت‌ها از نظر موضوع فعالیت به دو گروه تقسیم می‌شوند: (۱) شرکتهای مدنی یا حقوقی (۲) شرکتهای تجاری.

در اینجا به بررسی شرکتهای تجاری و انواع آن می‌پردازیم:

طبق ماده ۲۰ قانون تجارت شرکتهای تجاری به ۷ دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: (۱) شرکت سهامی (۲) شرکت با مسئولیت محدود (۳) شرکت تضامنی (۴) شرکت مختلط سهامی (۵) شرکت مختلط غیر سهامی (۶) شرکت نسبی (۷) شرکت تعاونی.

### (۱) شرکت سهامی

شرکت سهامی یکی از انواع شرکتهای تجاری است که نسبت به سایر شرکتهای تجاری رواج بیشتری دارد، به عبارتی شکل غالب شرکتهای موجود در سطح جهان است. شرکتهای سهامی از دارایی‌ها، کارکنان، سرمایه و حجم عملیات زیادی برخوردار هستند. طبق ماده یک قانون تجارت شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه‌ی آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام

مطالعات صورت گرفته از تاریخ نشان می‌دهد که احتمالاً از همان زمان‌های اولیه که مردم با امر تجارت آشنایی حاصل نموده‌اند مسئله مشارکت مورد توجه آن‌ها قرار داشته است. در مجمع القوانين حمورابی، مقرراتی در مورد تأسیس شرکت‌ها و تنظیم قراردادهای مربوط به آن‌ها وجود داشت و ماده ۷ آن قانون مشتمل بر وجود شرکت در آن زمان می‌باشد.

از ۶۵۰۰ سال قبل در چین مشارکت در امر بیمه، برای جبران خسارات دلیلی بر تشکیل شرکتهای بیمه بوده است. با این اوصاف، شرکت‌ها از قدیم معمول بوده‌اند اما اهمیتی را که امروزه دارند دارا نبوده‌اند. در آن زمان شرکتهای تجاری بیشتر جنبه خانوادگی و اعتماد به یکدیگر را داشته و حوزه عمل آن‌ها محدود بوده است.

از آغاز قرن ۱۲ شرکت‌ها رو به توسعه نهاده و مخصوصاً بین تجار ایتالیای شمالی رواج پیدا کرده است که، شباهت‌هایی به شرکتهای تجاری امروزی دارد و از قرون وسطی نیز مسئولیت تضامنی و ثبت شرکتهای تجاری معمول بوده است.

در حقوق ما نخستین قانون تجاری که در آن از شرکت‌های تجاری بحث شده قانون ۲۵ دلو ۱۳۰۳ می‌باشد. بعد از آن قوانین ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید. اما نخستین قانونی که اولین بار در خصوص شرکتهای تجاری وضع شد، قانون مصوب ۳/۲/۱۳۱۱ است که از آن زمان تاکنون قانون تجارت ایران می‌باشد. این قانون بعدها به موجب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴/۱۲/۴۷ اصلاح گردید.



محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.

۵ کرده است که در این نوع شرکت انتقال سهم شرکت به عمل نخواهد آمد، مگر به موجب سند رسمی این شرکت دارای بالاترین آمار شرکت ثبت شده در بین سایر انواع شرکت تجاری است.

### ۳) شرکت تضامنی

شرکتی است که تحت نام مخصوص برای انجام امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود. اگر دارایی‌های شرکت برای پرداخت تمام بدهی‌ها کافی نباشد، هریک از شرکاء مسئول پرداخت تمام دارایی‌های شرکت است.

ویژگی‌های شرکت تضامنی:

۱) هریک از شرکاء در قبال تمام بدهی‌های شرکت مسئولیت نامحدود دارند.

۲) عمر شرکت تضامنی محدود است و در هر زمانی با ورود شریک جدید یا خروج هریک از شرکاء منحل می‌گردد.

۳) در شرکت‌های تضامنی انتخاب شرکاء امری ارادی و اختیاری است.

۴) نمایندگی دو جانبه به این معنا که هر شریک از جانب خود و به نمایندگی از سایر شرکاء اختیار دارد نسبت به قرارداد با شخص ثالث، که در محدوده عملیات عادی واحد تجاری خود باشد، اقدام نماید.

۵) مالکیت دارایی‌های شرکت تضامنی بطور مشترک متعلق به همه‌ی شرکاست.

### ۴) شرکت مختلط سهامی

شرکتی است که تحت نام مخصوص بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکای سهامی کسانی هستند که سرمایه‌ی آنها بصورت سهام یا قطعات سهام با قیمت مساوی درآمد و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شرکت سهامی دارای شخصیت حسابداری و حقوقی مستقلی است. این شخصیت دارای حقوق و تعهداتی است که به وسیله‌ی قوانین خاص هر کشوری که شرکت سهامی در آن ثبت می‌شود معین شده است. دارایی‌ها و بدهی‌های هر شرکت سهامی، مستقل از دارایی‌ها و بدهی‌های صاحبان سهام شرکت بوده و صاحبان سهام هیچ گونه مسئولیتی در قبال بدهی‌های شرکت ندارند.

### طبق قانون تجارت شرکت‌های سهامی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

الف) شرکت سهامی عام: شرکت‌هایی که مؤسسين آن‌ها قسمتی از سرمایه‌ی شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند، سهامی عام نامیده می‌شوند.

ب) شرکت سهامی خاص: شرکت‌هایی که تمام سرمایه‌ی آن‌ها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین می‌گردد، شرکت سهامی خاص نامیده می‌شود.

### ویژگی‌های شرکت سهامی:

۱) شخصیت قانونی مستقل دارند. ۲) مسئولیت سهامداران محدود است. ۳) سهولت در نقل و انتقال سهام. ۴) سهولت در جمع‌آوری سرمایه. ۵) جدایی مدیریت از مالکیت. ۶) پرداخت مالیات بصورت مضاعف. ۷) مقررات سنگین دولتی بر این شرکت‌ها حاکم است (این مورد جزء معایب شرکت‌های سهامی محسوب می‌شود).

### ۲) شرکت با مسئولیت محدود

شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هریک از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد، فقط تا میزان سرمایه‌ی خود در شرکت مسئول بدهی‌ها و تعهدات شرکت می‌باشند. تفاوت مهمی که از لحاظ ثبتی شرکت با مسئولیت محدود با سایر شرکت‌ها دارد این است که قانونگذار در ماده ۱۰۳ قانون تجارت تصریح

شریک ضامن کسی است که سرمایه‌ی او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه‌ی بدهی‌هاست که ممکن است مزاد بر دارایی شرکت باشد. در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آن‌ها در مقابل طلبکاران و روابط آن‌ها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

#### ۵) شرکت مختلط غیر سهامی

شرکتی است که برای امور تجاری تحت نام مخصوص بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود (سرمایه بصورت سهم‌الشرکه پرداخت می‌شود). شریک ضامن مسئول کلیه‌ی بدهی‌هایی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت، پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد.

#### ۶) شرکت نسبی

شرکتی است که برای امور تجاری تحت نام مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت دارند. اگر دارایی شرکت نسبی برای پرداخت تمام بدهی‌های شرکت کافی نباشد، هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت دارند مسئول پرداخت بدهی‌های شرکت می‌باشند.

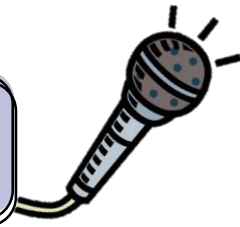
#### ۷) شرکت تعاونی

شرکت‌های تعاونی الزاماً شرکت تجاری نیستند بلکه اگر موضوع آن تجاری نباشد، شرکت تجاری محسوب نمی‌شوند. این شرکت‌ها انحصاراً تابع قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۰) هستند و تنها تصفیه آن‌ها تابع مقررات تصفیه در قانون تجارت است (تبصره ۱ ماده ۵۴ قانون ۱۳۷۰).

قانون ۱۳۷۰ شرکت تعاونی را تعریف نکرده است ولی از مجموع مقررات این قانون، به ویژه از ماده یک آن چنین استنباط می‌شود که قانون‌گذار از روح قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ دور نشده است. در واقع شرکت تعاونی را هنوز هم می‌توان شرکتی تلقی کرد که اشخاص به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی خود از طریق خودیاری و کمک متقابل تشکیل می‌دهند، هدفی که قبلاً در ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰ پیش‌بینی شده بود و با طبیعت شرکت‌های تعاونی موضوع قانون تجارت نیز تطبیق می‌کرد.

در این شرکت‌ها فعالیت اشخاص عضو، عمده سرمایه شرکت را تشکیل می‌دهد. حتی در قانون جدید بر کار اعضا بیشتر از گذشته تأکید شده است؛ چه تنها اشخاصی می‌توانند عضو شرکت تعاونی شوند که از اشخاص حقیقی باشند. مع‌ذلک به منظور تشویق اشخاصی که تخصص و حرفه‌ای دارند و سرمایه در اختیار ندارند، قانون تسهیلات بی‌شماری در نظر گرفته است که توسط دولت یا بانک‌ها ممکن است به شرکت‌های تعاونی اعطا شود.

## به وقت مصاحبه



مصاحبه با دکتر سامان محمدی (عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه رازی کرمانشاه)  
 مصاحبه کننده: سپیده قمبرعلی باغی؛ دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه رازی  
 نویسنده: سارا خسروی پور؛ دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه رازی



ضمن عرض سلام و احترام؛ لطف کنید در ابتدا خود را به طور کامل معرفی بفرمائید.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ بنده هم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما و خوشحالم که در خدمتتان هستم، بنده سامان محمدی متولد اول شهریورماه سال ۱۳۶۶ در روستای زرین چغال در چند کیلومتری روانسریه دنیا آمدم.

حضرتعالی از چه رشته ای و با چه رتبه ای وارد رشته حسابداری شدید و معیارهای شما برای انتخاب این رشته چه بوده؟

رشته ی مورد علاقه ی بنده علوم تجربی و دندان پزشکی بوده اما با توجه به شرایط و اینکه در روستا و منطقه محروم زندگی میکردم و همچنین علاقه ای به رشته ریاضی فیزیک نداشتم رشته ی علوم انسانی را انتخاب کردم، و هدفم از رشته ی علوم انسانی قبولی در رشته وکالت بود. رتبه کنکورم ۱۳۶۶ شد و به علت بازار کار خوب رشته حسابداری بنده این رشته را در اولویت قراردادم اما قبولی در دانشگاه رازی کرمانشاه کاملاً اتفاقی بود.

## نظر شما راجع به دانشکده حسابداری و اعضای هیئت علمی آن چیست و نقاط قوت و ضعف آن از نظر شما کدام است؟

گروه حسابداری تغییرات زیادی نداشته ، مقالات،همایشها و کارگاه های مختلف موجب تعالی یک گروه خواهند شد و به تبع با تعالی گروه، دانشجویان آن گروه هم بزرگ میشوند. از نظر من دانشگاه رازی شرایط تحقیق و پژوهش زیادی را داراست و اگر به این موارد توجه شود جای پیشرفت زیادی را دارد. دانشجویان این رشته دانشجویانی خوب و پیگیر هستند و از ابتدای دوران دانشجویی دغدغه هایی را دارند که همین دغدغه ها باعث پیشرفت آنها میشود ؛ وقتی چنین دانشجویان از اول خوب باشد قطعاً در آینده باعث پیشرفت این رشته خواهد شد.

یکی از نقاط ضعف شما کم کاری در کار تیمی است که البته منشا این مشکل میتواند به این خاطر باشد که شما دانشجوی مجازی هستید و ارتباط کمی با هم دارید که اگر دانشگاه ها حضوری شوند احتمال کار تیمی قوی تری وجود دارد و این میتواند باعث قوی تر شدن تیم شما شود.

### نظر شما درباره ی سطح علمی و توانایی دانشجویان حسابداری دانشگاه رازی چیست؟

در بحث آموزش مجازی سطح علمی دانشجویان عموماً افت کرده؛ البته این موضوع شامل حال تمامی دانشجویان نیست و استثناً هم دارد. حضوری بودن دانشگاه فقط از لحاظ علمی نیست مثلاً ارتباط اجتماعی که وجود دارد در شیوه ی آموزش مجازی خیلی کم رنگ شده است که این موضوع خود روی سطح علمی دانشجویان تأثیر میگذارد. آموزش مجازی حتی روی سلامت دانشجویان هم تأثیر گذاشته ؛ گرچه این آموزش مجازی میتواند سودمند هم باشد و دانشجویان میتوانند برای پیشرفت از آن استفاده کنند .

### به نظر شما کسب معدل بالای ۱۷ تا چه میزان در استخدام دانشجو به عنوان حسابدار تأثیر گذار است؟

در جامعه جدید، معدل برای من به شخصه مهم است چون معدل بالای ۱۷ یعنی دانشجوی تلاش بیشتری داشته و پیگیر تر بوده است و جای ترقی دارد؛ البته این موضوع صد درصد نیست . برای استخدام معیارهایی مثل اخلاق و معدل مهم است به نظر من معدل یک آیتم حیاتیست؛ بخصوص الان که برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا تأثیر گذار است برای استخدامی هم یک امتیاز مثبت میباشد.

### حضرتعالی به عنوان یک استاد با تجربه چه راهکار و پیشنهادی برای توانمندسازی دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته جهت ورود به بازار کار دارید؟

عقیده من بر این است که دانشجو باید تا ترم ۶ روی یادگیری دروس و بالا بردن معدل و تقویت زبان انگلیسی کار کند و بعد از ترم ۶ هم یک دوره کارآموزی شش ماهه تا یکساله داشته باشند که برای ورود به بازار کار آماده شوند.

### باتوجه به بازار کار این رشته ، به نظر شما دانشجویان کارشناسی اولویت خود را ورود به بازار کار قرار دهند یا برای تحصیلات تکمیلی اقدام کنند؟ چرا؟

به نظر من ارشد بخوانند ، ولی ارشد را در شهری بخوانند که امکان کار کردن را هم داشته باشند. هر دانشجوی مقطع کارشناسی نهایتاً در ترم سوم به بعد باید آینده ی خودش را روی کاغذ بنویسد و بداند که هدفش چیست و با توجه به هدفش ادامه دهد؛ البته توصیه من این است که ترجیحاً کارشناسی ارشد را بخوانند و با توجه به اینکه

میخواهند سرچه نوع کاری بروند برای ادامه ی مسیر تصمیم بگیرند مثلا اگر میخواهند هیئت علمی شوند لازمه ی آن پژوهش زیاداست که دانشگاه هایی مثل شیرازتوصیه می شوند امااگرهدف استخدام شدن است دانشگاه های تهران برای ارشد توصیه میشود ؛ همچنین کارپاره وقت همزمان باادامه دادن مقطع کارشناسی ارشد باعث کسب تجربه و قوی ترشدن از لحاظ درسی میشود

## حضوردوره های حسابداری خارج از دانشگاه تا چه حدمیتواند درتقویت علمی و عملی دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته تاثیرگذار باشد؟

یکسری از دوره ها بسیار مفیدند اما درزمان مناسب آن؛ مثلا یادگیری نرم افزارهای حسابداری که چارچوب اصلی همه آنهایکیست ، برای ترم ششم به بعد توصیه میشود . دانشجویان سعی کنند که قبل از ترم ششم روی زبان یا برنامه نویسی کامپیوتر یا آفیس کار کنند و یادگیری این دوره ها به صورت رایگان درگوگل امکان پذیراست واگر بعد از ترم ۶ که وارد کارآموزی میشوند همزمان با کارآموزی ، نرم افزاریز یادبگیرند بسیار کاربردی تراست تا اینکه دوره ی نرم افزارشركت کنند و چیزی یادگیرند.

## به نظر شما دلیل اینکه دانشجویان این رشته حتی با وجود کسب معدل بالا با اعتماد به نفس کمی در بازار کار ظاهر میشوند چه میتواند باشد ؟

ما همیشه این مشکل را داشته ایم بنده چندسالی است که در بازار کار هستم، معدل های بالا و فارغ التحصیل های زیادی داریم اما کسی نیست که استخدام کنیم؛ علت این است که همه میخواهند بعد از فارغ التحصیل شدن سرکار بروند بدون اینکه حتی یک دوره کارآموزی رفته باشند یا حتی یک سند را با سیستم زده باشند یا اینکه قوانینی مثل قانون تجارت یا قانون مالیات هارا مطالعه کرده باشند. وقتی دانشجو از لحاظ این موارد ضعیف باشد از ورود به بازار کار میترسد ، که کارآموزی باعث کمترشدن این ترس میشود و همچنین مطالعات بالا باعث افزایش اعتماد به نفس برای ورود به بازار کار میشود.

## طبق نظرخواهی های مختلفی که از دانشجویان گروه حسابداری دانشگاه رازی انجام شد ، شما یکی از محبوبترین اساتید رشته ی حسابداری این دانشگاه هستید . دلایل این موفقیت و محبوبیت با وجود سختگیری های سر کلاس را چه میدانید ؟

دلیل اصلی این قضیه لطف دانشجویان به بنده است که به من رای دادند و باعث این اتفاق شدند و این لطف دانشجویان را نسبت به بنده میرساند. دلیل این لطف میتواند فاصله سنی کم و ارتباط بیشتریست که با دانشجویان داریم ؛ در رابطه با سختگیری هم میتوانم بگویم که دانشجویان به این درک رسیده اند که این سختگیری ها برای موفقیت و کمک به دانشجویست نه اذیت کردن و نابودی دانشجو .

## جایگاه علم حسابداری در مقایسه با علوم دیگر و وضعیت کنونی حسابداری در دانشگاه های ایران چگونه میباشد؟

مشکل اصلی که ما در این زمینه داریم این است که خیلی از کسانی که باید کارهای پژوهشی انجام دهند، وارد بازار کار شده اند و همین مسئله مانع پیشرفت حسابداری شده است . در حال حاضر حتی برای انجام پایان نامه ها هم پژوهشی صورت نمیگیرد و کافیت ها اینکار را انجام میدهند. زمانی رشته ای بزرگ میشود که در سطح بین المللی کارهای پژوهشی انجام دهد که این اتفاق امروزه کم می افتد واكثر کارهای پژوهشی ما هم در حد ترجمه ی یک مقاله ی انگلیسی است نه پژوهشی خلاقانه.

# به سرآمد این دفتر، حکایت همچنان باقیست"

توصیه وسخن آخر خود را برای دانشجویان بفرمایید .

درمقطع کارشناسی هرچه زودتر هدفتان را مشخص کنید و سعی کنید وارد حاشیه نشوید. گهگاهی نگاهی به پشت سر بیندازید که ببینید مسیری که طی کرده اید برای رسیدن به هدفتان درست است یا نه ، قدر زمانی که در اختیار دارید را بدانید چون هیچوقت تکرار نخواهد شد. سعی کنید از فضای مجازی کمتر استفاده کنید و اگر هم استفاده میکنید ، استفاده مفید باشد نه برای جک و مطالب بیهوده . همچنین آرزوی موفقیت دارم برای دانشجویان عزیز و نشریه شما و هر کمکی از دستم بر بیاید دریغ نخواهم کرد «



## معرفی کتاب:

# حسابداری بورس به سبک وارن بافت



سعید خزایی

دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه رازی

کتاب حاضر از ایده‌های سرچشمه گرفته که در حال نمو است. سرمایه‌گذاران معمولی برای درک اصول بنیادی در رویکرد وارن بافت به سرمایه‌گذاری هیچ نیازی به مدرک دانشگاهی عالی در اقتصاد یا مدیریت مالی ندارند. کتاب حسابداری بورس به سبک وارن بافت شما را به مرحله بالاتری از دنیای سرمایه‌گذاری می‌برد. در اینجا با واژگان تخصصی و فنون حسابداری آشنا می‌شوید که برای هر سرمایه‌گذار حرفه‌ای در بورس سهام ضروری هستند. در چهار فصل ابتدایی این کتاب یاد می‌گیرید چطور بازار سهام را بررسی کنید و با ارزش‌ترین سهام را انتخاب کنید. برای این کار فقط به دانش و مهارت‌های حسابداری ساده احتیاج دارید. از آن‌جا که اصول این کتاب بر مبنای اندیشه‌های چند شخصیت سرشناس و موفق پایه‌ریزی شده، همگی بطور جداگانه و خلاصه‌وار معرفی می‌شوند.

مطالعه کتاب حسابداری بورس به سبک وارن بافت به تمام کسانی توصیه می‌شود که بخشی از سبد دارایی‌هایشان را با دید دراز مدت تشکیل می‌دهند، دوست دارند فنون محاسبه ارزش ذاتی سهام و تفسیر آمار و ارقام در صورت‌های مالی را بیاموزند و کسانی که می‌خواهند بدانند پولشان هر قدر اندک در سهام شرکت‌ها چگونه بخشی از چرخ دنده‌های اقتصاد را در مقیاس کشوری و جهانی می‌گرداند.

کتاب حسابداری بورس به سبک وارن بافت نوشته‌ی استیگ برودرسن و پریستون پیش، مروری مقدماتی بر صورت‌های مالی برای سهامداری ارزش‌محور است و برای کسانی در ایران مفید خواهد بود که دوست دارند بیشتر درباره سرمایه‌گذاری به ویژه بازار سهام و اوراق بهادار بیاموزند.

کتاب حسابداری بورس به سبک وارن بافت (Warren Buffett accounting book) همچنین به خواننده کمک می‌کند تا به درک روشن‌تری در مورد سازوکار بازارهای مالی و چرخه اقتصاد برسد و در این مسیر با اندیشه‌های شخصیتی مشهور همچون وارن بافت آشنا گردد. یکی از ویژگی‌های بارز این اثر می‌تواند معرفی اصطلاح‌های تخصصی این حوزه به زبان ساده همراه با تصاویر سرگرم‌کننده باشد؛ مانند نرخ بهره، نرخ تورم، اوراق بدهی، حساب قیمتی و غیره.

استیگ برودرسن (Stig Brodersen) و پریستون پیش (Preston Pysh) در نیمه اول این اثر بطور کلی به سرمایه‌گذاری ارزش‌محور به شیوه وارن بافت و روش محاسبه ارزش ذاتی سهام می‌پردازند و در نیمه دوم کتاب مفاهیم پایه مربوط به صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابداری پرداخته‌اند. در اینجا با مجموعه‌ای از جداول و ارقام روبرو می‌شوید که مفاهیم ریاضی این حوزه را به شکلی ابتدایی و مناسب برای تازه‌کاران بیان می‌کند.

## در بخشی از کتاب حسابداری بورس به سبک وارن بافت می‌خوانیم:

نخستین سبک حسابداری که باید بلد باشید بر محور وجه نقد می‌چرخد و دومی حسابداری تعهدی است. هر سرمایه‌گذار باهوشی در بازار بورس بی‌تردید باید با سبک دوم یعنی حسابداری تعهدی آشنایی پیدا کند. از آن جا که شرکت‌های سهامی عام در بورس می‌بایست حسابداری تعهدی انجام دهند، تا انتهای این کتاب به بررسی همین سبک خواهیم پرداخت.

پیش از آنکه وارد مبحث حسابداری تعهدی شویم، بگذارید با چند مفهوم ساده شروع کنیم. معنای حسابداری بر مبنای وجه نقد از نامش پیداست. تراکنش مالی تنها زمانی ثبت می‌شود که وجه نقد بطور فیزیکی یا دیجیتالی در حساب بانکی بنشیند. خیلی ساده به نظر می‌رسد، مگر نه؟ خیلی از مردم امور زندگی خود را بر مبنای وجه نقد می‌گذرانند، پس با این موضوع زیاد ناآشنا نیستید. برای مثال، اگر یک فنجان چای بخرید، به محض اینکه وجه نقد از جیبتان بیرون برود چای را دریافت می‌کنید. به این می‌گویند حسابداری بر مبنای وجه نقد.

حالا در بسیاری از اوقات، انتقال کالاها و خدمات یک شرکت همزمان با پرداخت وجه نقد رخ نمی‌دهد. شرکتی را فرض کنید که بر روی پروژه‌های کار می‌کند و باید تا انتهای سال تکمیل شود. با این حال، پرداخت‌های مربوط به پروژه در ابتدای سال بعدی دریافت خواهند شد. اگر شرکت بخواهد از حسابداری بر مبنای وجه نقد پیروی کند، چنین تراکنش مالی در سال دوم ثبت می‌شود چون تا آن موقع وارد حساب بانکی نمی‌شود. اصل زیربنایی در حسابداری بر مبنای وجه نقد این است که تراکنش‌های مالی بر پایه جریان‌های ورودی و خروجی وجه نقد هنگام تغییر مانده حساب بانکی ثبت می‌شوند نه زمانی که محصول یا خدمت ارائه و دریافت می‌شود.



# ادبی

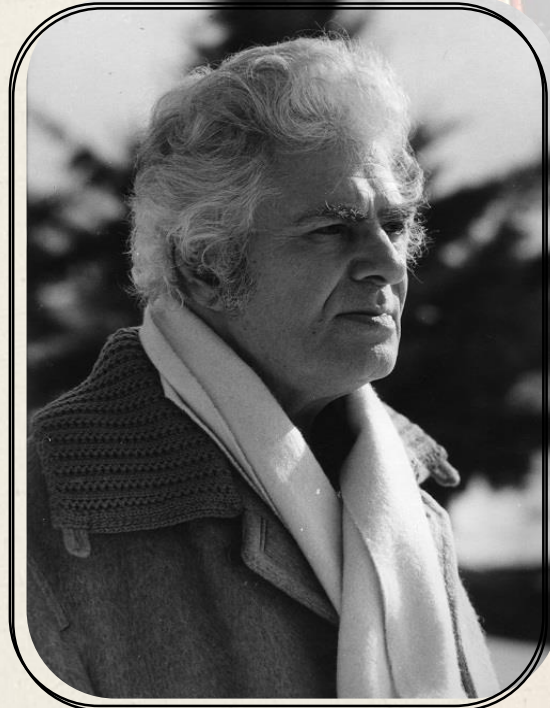
## بخش

یادداشت دبیر ادبی  
گفته: امان از این رئال  
قوم زندگی نمانده ها  
در باب فقر  
تصنیف مرغان آوازه خوان و مارها  
سینما سبد  
و  
مطالب خواندنی دیگر

## سرداشت دبیره

یک بار عزیزی دعا کرد و گفت ان شاءالله نان و عشق بخورید بعد از یک مکث کوتاه گفت نان واقعی هم بخورید، انگار یاد ستم فقر با قلب عشاق افتاد. هم زمان با صحبت هایش به یاد شعر شاملو افتادم از انسانی که تویی ...

از دست های گرم تو  
 کودکان تو آمان آغوش خویش  
 سخن ها می توانم گفت  
 غم نان اگر بگذارد.  
 نغمه در نغمه در افکنده  
 ای مسیح مادر، ای خورشید!  
 از مهربانی بی دریغ جانت  
 با چنگ تمامی ناپذیر تو سرودها می توانم کرد  
 غم نان اگر بگذارد.  
 رنگ ها در رنگ ها دویده،  
 ای مسیح مادر، ای خورشید!  
 از مهربانی بی دریغ جانت  
 با چنگ تمامی ناپذیر تو سرودها می توانم کرد  
 غم نان اگر بگذارد.  
 چشمه ساری در دل و  
 آبشاری در کف،  
 آفتابی در نگاه و  
 فرشته ای در پیراهن  
 از انسانی که تویی  
 قصه ها می توانم کرد  
 غم نان اگر بگذارد.  
 احمد شاملو



## گفتم: امان از این رئال



گفتم: امان از این رئال!  
همینا که قبل اومدن نوشابه انرژی‌زا می‌خورن!  
از کجا بدونن که ما بعد یه نصفه‌روز جون کندن انرژی‌زدا برمی‌گردیم؟  
تشنه...

گرسنه...

که این جووری به توپ نبندن ما رو؟  
رئال مهلت نفس کشیدن نمی‌ده!

بی‌دین...

گفتم: ما که باختیم و گذشت

سوراخ‌سوراخمون کردن!

اما کاشکی این رئال اصلاً نبود

کاش بمیره...

گفت: نگو گناهه

گفتم: ای بابا دست از سر ما وردار

هی گناه، گناه

به درک اسفل که جناح راست اسپانیا خالی شه

ما یه دودمانمون سوخت

گفتم:

اصلاً اگه این رئال نبود

ما می‌رفتیم تو زمین سوررئال

تو سوررئال «دن کیشوت» شده بودم

هی رفتم به جنگ آسیاب بادی

شکست خوردم و برگشتم

باز رفتم به جنگ آسیاب آبی

شکست خوردم و برگشتم

اما جونم تموم نشد!

باز آسیاب بادی

شکستم...

تا آخر شکستش دادم

رفتم یه «من» آرد برداشتم یه نون بپزم

گفت: یه «من» آرد زیاده واسه یه نون

گفتم: شکمای گرسنه هم زیادن.

یه نون پختم، ها ای هوا!

اومدم ورش دارم

دیدم وضعیت برگشته به حالت رئال

ژان وال ژان رو می‌برن بندازن ته سیاه‌چال.

یکی گفت: مرتیکه‌ی دزد!

او یکی گفت: از هیكلت خجالت نمی‌کشی؟

یکی دیگه گفت: دستش کجه؛ فقراتش هم خمیده!

اما هیچکی نگفت یه شکم گرسنه چه بلاها می‌تونه سر یه مرد شریف بیاره

که شرافتش رو زمین بذاره  
تا عوضش یه دونه نون ورداره  
حقیقت پدر درآره!

گفت: حالمون بده یه دهن واسه مون بخون.  
گفتم: باشه می خونم اما قبلش گفته باشم  
نسخه مادر بزرگم رو برداشتم دادم داروخونه ای  
گفت: پونصد هزار.

گفتم: چی؟

گفت: دارو.

گفتم: ندارم.

گفتم: همه داروندارم هم بذارم ندارم.

اما جمع می کنم

یا علی ...

گفتم جمع می کنم

گفت امان از درد

گفتم جمع می کنم

گفت ای هوار

گفتم جمع می کنم

گفت مردم از درد

گفتم جمع می کنم

هیچی نگفت

گفتم ننه، ننه!

گفت من مردم!

رفت سینه ی قبرستون

گرفت خوابید

خوابی که بیداری نداره

حقیقت پدر درآره!

گفت: حالمون بده، یه دهن نمی خونی برامون؟

گفتم: باشه ولی ...

چند نفر تو همی شهر

از سردرد هوارشون رفته هوا

که پول یه بسته استامینوفن کو؟

چند نفر گلوهاشون عفونت کرده، حرف نمی تونن بزبن لالن انگاری

که پول یه آمپول پنی سیلین کو؟

تزریقاتی کجا رفته؟

گفتم: چند تا مریض سرطانی رو رفتیم گفتن رفتن قبرستون

ولی به ما فقط یه گواهی فوت نشون دادن؟

د سلول سرطانی که از فی بازار خبر نداره!

حقیقت پدر درآره ...

چشم!

می خونم

حقیقت پدر درآره، عزیزم پدر درآره، گلکم پدر درآره

حقیقت پدر درآره، عزیزم پدر درآره، دلکم پدر درآره



قوم زندگی نمانده‌ها، جمعِ آس‌وپاس در زمین  
 کله‌شوق‌ترین مسافران، بی‌هدف بدونِ سرزمین

گوش‌های غرقِ مَهملات، گام‌های گیجِ بی‌ثبات  
 در مصافِ گلّه‌ای ربات - صاحبانِ قلبِ آهنین -

قلب پاره پاره پاره‌ها در دوباره و دوباره‌ها  
 پیش پای بی‌قواره‌ها می‌زنند خاک بر جبین

در سفر به انتهای شب لمس می‌کنی وجب و جب  
 شوربختی همیشه را در مقامِ فردینان سلین

هم‌قبیله! هم‌شکنجگی! چیست رمزِ این دوندگی  
 مردنت به دستِ زندگی، خم شدن برای آن و این...

محو شد عصای معجزه، مُرد شعله‌ی مبارزه  
 نکبتِ درون حافظه تا هزار سال تهنشین،

روزها تداماً سیاه، معنیِ دقیقِ افتضاح  
 گم شدی میان قتلگاه - حرف‌های دُختِ فال‌بین -

گفت: دورِ باطلی‌ست ها! بازی کسل‌کننده‌ای  
 هرچه می‌شویم را شدیم، از قدیم، از رَحِم - جنین

زخم! - آه وجهِ اشتراک - کوچه‌هایمان! - جنازه‌ناک -  
 دیوهای نحسِ ترسناک! با تمامِ خانه‌ها عجین!

خونِ خالص است طعمِ ما دشمنانِ جانِ جمعِ ما  
 ای برای قلع‌وقمعِ ما دشنه‌هایتان در آستین!

### فرزین منصوری

\* سفر به انتهای شب، زمانی‌ست از لویی فردینان سلین.

\* کوچه‌هایمان! - جنازه‌ناک -

اگر ترانه‌ی شاملو که فرهاد مهراد خوانده است، برایتان تداعی شد، حق دارید. من هم به یادش افتادم:

«از صدا افتاده تار و کمونچه، مرده می‌برن کوچه به کوچه»

فقر، واژه‌ای دردآور است؛ چرا که خواندن، دیدن و شنیدنش تداعی کننده‌ی رنج‌های بسیاری است؛ حال اگر دست‌وپنجه نرم کردن کودکان در مواجهه با فقر را تصور کنیم، همه‌ی آن دردها و مشکلات چندین برابر رخ نشان می‌دهند. فقر که وارد زندگی‌شان شود خیلی چیزها کم‌رنگ می‌شود و از بین می‌رود: آرامش، آسایش، بازی‌های بچگانه، غذا و خواب خوب؛ همه‌ی این‌ها جایشان را به حسرت می‌دهند.

حسرت می‌آید و می‌شود عضو خانواده، گفتم خانواده؟ اگر خانواده‌ای باشد یا باقی بماند... ناخواسته کودکان بزرگ می‌شوند، بی‌آنکه بدانند چگونه کودکی‌شان مبدل به این فهمِ اندوه‌بار شد. دغدغه‌ی به‌دست‌آوردن غذا، کنار گذاشتن بازی، فراموش کردن آرزوها، جنگیدن برای زنده ماندن و درکِ روزگار نابسامان تحمیل می‌شود به بچه‌های معصومی که رواست به آن‌ها بگوییم بزرگ‌مرد و شیرزن. و باز هم واژه‌ای جدید: جنگ، جنگ که ترسناک است و کنارِ قشر کودک، ترسناک‌تر... وقتی در تنگ‌دستی، کمبود و فشارِ زندگی غرق شوند؛ برای به‌دست‌آوردن اولیه‌های حیات مجبور می‌شوند با بزرگ‌تر از خودشان رقابت کنند، برای تکه‌ای نان و سهم آب، باید زیر دست و پا ماندن را به جان بخرند، ریسک مرگ برای زنده ماندن!

جست‌وجو میان سطل‌های زباله، برداشتن غذا از پسماندهای باقی‌مانده، ساعت‌های طولانی کار... این‌ها سهم بخشی از کودکانِ دنیاست! اصلاً در ذهن می‌گنجد؟ آن‌ها از همه‌ی چیزهایی که جزء اولویت‌های عادی زندگی است محروم‌اند... لباس خوب: آن هم نه به معنای گران‌ترین و زیباترینش، نه! یک‌دست لباس کامل، یک پوشش برای حفاظتشان در فصول سرد سال... غذا: نه هر چیزی و هر زمانی که دلشان خواست، بلکه فقط سه وعده‌شان...

حتی این‌ها هم شاملشان نمی‌شود. تفریح و گردش، روز تعطیل و مدرسه پیشکش... جایزه، تشویق و تولد خنده‌دار است، از آن خنده‌های تلخ! البته برای آن‌ها حتی خنده‌دار هم نیست بلکه بی‌معناست، چون اصلاً تصویری از آن ندارند.

### زینب ابراهیم‌زاده



بازی‌های گرسنگی، هنوز چنان بیننده‌ای ندارند اما این باید تغییر کند!

اینجا پانم است، کشوری که در همه‌زمان و همه‌حال یک کلمه بیش از هر واژه‌ی دیگری در سخنان مردم شنیده می‌شود. درد نتوانستن و خواستن و نرسیدن، بیش از هر بیماری دیگری تکرار شده است؛

و فقر هر روز چهره‌ی زشت خود را بیش‌ازپیش به همه نمایان می‌سازد.

همه‌مان این سری داستان‌های فراموش‌نشدنی را با عنوان‌های مختلف می‌شناسیم: بازی‌های گرسنگی، بازی‌های عطش، عطش گرسنگی، یا با عنوان اصلی آن "The Hunger Games"

اولین، دومین و سومین شماره‌ی این سری داستانی بی‌نظیر در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به چاپ رسیدند و حالا، بعد از ده سال؛ شماره‌ی چهارم این کتاب بیش از پیش تحسین تمام خوانندگان و منتقدان را برانگیخته است.

تصنیف مرغان آوازخوان و مارها، قدم‌به‌قدم در هزارتوی پر از رمز و رازی که کم و بیش با آن آشنا هستیم پیش می‌رود و پانم را هفتاد سال قبل از زمانی که ما می‌شناسیم برایمان به تصویر می‌کشد. در این کتاب، برخلاف داستان آشنای کتنیس - قهرمانی که در بازی‌های معروف هفتاد و پنج‌ساله برای زنده ماندن خودش و نجات خانواده‌اش از فقر تقلا می‌کند - داستان شخصیتی دیگر برایمان بازگو می‌شود. اسنو؛ همان دست‌های پشت پرده‌ی هر ماجرای پانم. از کودکانی که زودتر از موعد مقرر، طعم تلخ بزرگ شدن و نگرانی را می‌چشند تا کوبن‌هایی که نام هر شخص را تنها به گناه فقیر بودن، دوباره و دوباره برای رفتن به جنگی که راهی جز کشتن یا کشته‌شدن ندارد، پیشنهاد می‌کنند. با پانم آشنا هستیم؛ با کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های منطقه‌ی دوازده، با مرزبندی‌های خطرناک و نگهبان‌های وحشت‌آمیز پایتخت، کتاب بازی‌های گرسنگی، روی نه‌چندان زیبایی زندگی را نشانمان می‌دهد و عمق وحشت فقر را پیش چشمانمان نقش می‌زند.

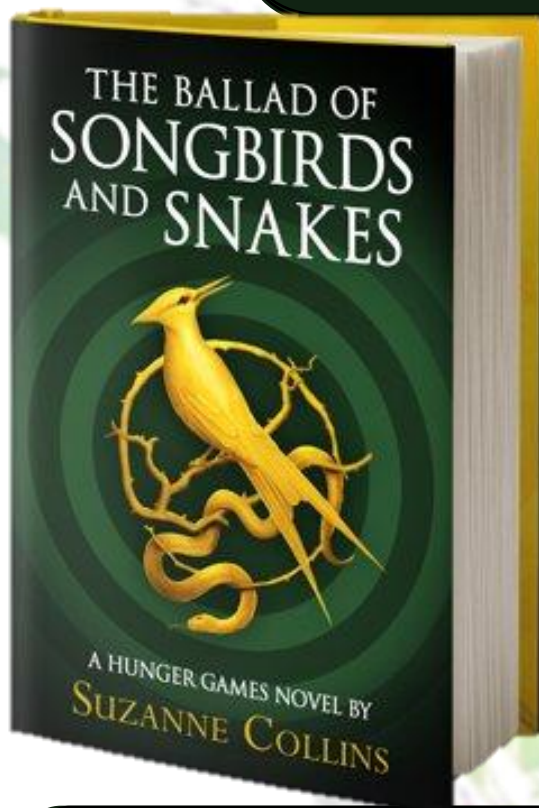
و حالا، تصنیف مرغان آوازخوان و مارها، سرود غم‌انگیزی که ما را نزدیک به قرنی، به گذشته می‌برد و تکه‌هایی از پازل را برایمان کامل می‌کند.

بازی‌های گرسنگی از کجا آمده‌اند؟

چرا مردمان منطقه‌های مختلف محکوم به فقرند؟

و چرا مرغان مقلد، خشم را در چشمان مار مانند اسنو برمی‌انگیزند؟

معصومه مهدی‌آبادی (لوا)



## تصنیف مرغان آوازخوان و مارها

هارمونی تلخ‌تغییر، جنگ، اشک، خشم و فقر. اینجا، پانم است منطقه‌ی دوازده، نزدیک معدن زغال‌سنگ؛ جایی که علاوه بر گرد سیاه زغال، نشانه‌های دیگری نیز مردم این منطقه را از بقیه متمایز می‌کند، اینجا کسی دست‌های لطیفی ندارد، اینجا کیک‌های زیبا و نقاشی شده‌ی قناد شهر، تنها چشم‌های کودکان گرسنه را نوازش می‌دهد، اینجا کودکان زود بزرگ می‌شوند، آدم‌بزرگ‌ها زود پا به سن می‌گذارند و تنها روزی نفس راحت می‌کشند که چشم‌هایشان را برای آخرین بار به روی دنیا ببندند.

\*\*\*

اینجا، پانم است. پایتخت بزرگ هفتاد سال قبل. عمارت بزرگ خاندان اسنو دیگر به باشکوهی قبل نیست، کمد لباس‌های شیکی که با ترس‌ولرز پوشیده می‌شوند، تنها وسیله‌ای است که در خانه باقی مانده، از آخرین باری که بوی غذا در خانه پیچیده مدت زیادی می‌گذرد و باد سردی که از درز شیشه‌ها به داخل می‌وزد نیز لحظه‌ای دست از یادآوری این موضوع بر نمی‌دارد. بوی جنگ هنوز به مشام می‌رسد و برق ترس هنوز در چشمان همه دیده می‌شود. غذا به کالایی لوکس تبدیل شده و جان انسان‌ها ارزشی بیشتر از یک‌دست لباس ندارد.



این زندگی مونه  
 یه سفره‌ی خالی، کفِ خونه  
 این زندگی مونه  
 با ما کسی جز ما، نمی‌مونه  
 هر روزمون اینه  
 آینه‌مون حتی، ما رو نمی‌بینه!  
 هر روزمون اینه ...  
 تشویش و بغض و حسرت و کینه  
 روزا هلاکِ نون؛ شب، نون زدن تو خون!  
 بیرون و تو زندون، این زندگی مونه ...  
 چاقوی تو مشتم؛ جا مونده تو پشتم  
 من بچه‌ام رو کشتم، هر شب تو این خونه!  
 تو حس زخمای ما رو نمی‌فهمی  
 تقدیر اگه اینه، دنیا چه بی‌رحمی ...  
 با این همه بغض و تو این همه سختی  
 هر جا بگی گشتم؛ دنبالِ خوشبختی!  
 دور گلوی ما، از بس پر از نیشه ...  
 جای نوازش هم خون‌مردگی میشه!  
 دست غرورم نیست، اشکی که می‌ریزه ...  
 لعنت به اشکی که بی‌موقع می‌ریزه .

روزیه بمانی



زنی با فقر می‌سازد  
زنی با اشک می‌خوابد  
زنی با حسرت و حیرت  
گنااهش را نمی‌داند ...  
زنی شرمنده از کودک  
کنار سفره‌ی خالی  
که ای طفلم بخواب امشب  
بخواب آری  
و من تکرار خواهم کرد  
سرود لالایی

معنای "فقر" در لغت‌نامه‌ی دهخدا "نداشتن مایحتاج" است و آن‌کس که مایحتاج ندارد فقیر یا درویش خوانده می‌شود. فقر از وضعیت اقتصادی نابسامان یک کشور نشأت می‌گیرد اما این‌گونه نیست که کشوری از هر جهت دارای سطح بالایی از رفاه باشد و فقیری نداشته باشد، چرا که در چند صدسال اخیر و یا حتی از همان آغاز پیدایش تمدن‌ها و حکومت‌ها همیشه تمرکز ثروت در دست افراد محدودی بوده که به فقر و نارابری در آن جامعه دامن زده. کشور ما هم از این قاعده مستثنی نیست و در چند سال اخیر هم این مسئله به‌وضوح دیده شده است و فقر بیشتر از هر زمان دیگری در ایران به چشم می‌خورد. فقر، نابرابری‌های اجتماعی، فاصله‌های معنادار طبقاتی می‌تواند معلول از علل مختلف باشد مثل جنگ‌های داخلی یا خارجی، اقتصاد بیمار و رانتی، سیاست‌های غلط دولت‌ها در مقاطع زمانی نامناسب، نبود زیرساخت‌های تجاری، مدیریت غلط منابع، انفجار جمعیت و... سیاست‌های داخلی برای کم کردن این فواصل طبقاتی در ایده‌ها و نظریه‌پردازی با توجه به ساخت‌ها و زیرساخت‌های دولت قابل اجرا و ممکن است اما در عمل مانند کشتی به گل می‌نشینند، این دست از اتفاقات را در سطوح مختلف مدیریتی را ما در کشور خودمان ایران دیده‌ایم که گویای این امر است، دولت در سوءمدیریت درست عمل کرده و بسیاری از برنامه‌های مدیریتی را به همان شکل مطرود رها می‌کند.



در نقطه‌ی مقابل سیاست‌های داخلی، باید به سیاست‌های خارجی و بین‌المللی دولت اشاره کرد

می‌تواند تأثیری بیش از سیاست‌های داخلی بر گسترش فقر یا فقرزدایی داشته باشد. فکر می‌کنم در این مورد وضعیت موجود خود گویاست و زیاد حرف‌زدن در این باره تکرار مکررات است پس کوتاه می‌گوییم.

در جهان امروز که به شکل عجیبی درهم‌تنیده شده است دولت باید با تکیه بر اتاق‌های فکر که متشکل از نخبه‌های امر در سیاست‌گذاری بسیار باهوش عمل می‌کرد چرا که در این جهان یک سیاست‌گذاری اشتباه حتماً تبعات سنگین برای طبقات فرودست و فقیر خواهد داشت و به تبع آن نارضایتی در این طبقات شکل گرفته و برای دولت هزینه‌های گزافی خواهد داشت.

در صورتی امسال فاصله دهک اول و دهم درآمدی کشور ۷۸ میلیون تومان بود که ما هر روز شاهد اضافه شدن به کارتن‌خواب‌ها و بی‌خانمان‌ها و کودکان کار هستیم. کسانی که قبل از طلوع آفتاب در سطل‌های زباله دنبال غذا هستند، کودکانی که از سوء‌تغذیه می‌میرند، پدرانی که از فقر دست به خودکشی می‌زنند و زنانی که برای امرارمعاش به تن‌فروشی رو می‌آورند. آثار و عواقب فقر آن قدر زیاد است که دیگر به شمارش در نمی‌آیند و کلی‌ترین چیزی که می‌توان گفت این است که فقر به فساد در جامعه دامن می‌زند. فرایندی که همیشه حی‌وحاضر وجود دارد و در پس‌زمینه‌ی ذهن آدمی فعال است. فقر به گرسنگی منجر می‌شود و گرسنگی به تنش‌های مغزی و روحی و اختلال‌های اخلاقی آن‌گونه که مرز باریکی مابین هذیان و توهم با حقیقت و واقعیت قرار می‌گیرد. گرسنگی اعتمادبه‌نفس را می‌گیرد و عزت‌نفس را لرزان می‌کند.

"خوردن" برای "زنده ماندن" چیزی است که در هیچ جایی پنهان نمی‌شود آن قدر که خوردن تراشه چوب لذتش کمتر از یک قرص نان نیست. آن چنان که در قسمتی از کتاب گرسنگی کنوت هامسون می‌خوانیم: ((از روی توده تراشه‌ها دوتکه درخشان برداشتم، یکی را به دهان بردم و دیگری را بعد در جیب گذاشتم.))

((وقیحانه به نخستین قصابی که رسیدم رو کردم و گفتم لطف کنید و یک استخوان به سگم بدهید، فقط یک استخوان که چیزی به آن باشد، طعمی نداشت. بوی تهوع‌آور خون کهنه از استخوان بر می‌خاست. مثل آدمی تسخیر شده به جویدن پرداختم به قدری که استخوان خیس و آغشته به اشک شد.)) (گرسنگی، کنوت هامسون)

نگاه به لایه‌ها / زیرسنگ فیلم :

# متری شش و نیم

متری شش و نیم ساخته‌ی سعید روستایی با بازی پیمان معادی، نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار و... داستان فردی است که به‌خاطر نفرت از فقر و میل به رهایی از آن به قاچاق گسترده‌ی مواد مخدر پرداخته است. متری شش و نیم فیلم خوش‌ساخت سعید روستایی است. شروع غافلگیرکننده، فیلم‌نامه‌ی خوب، شخصیت‌پردازی درست و بازی‌های جذاب از نقاط قوت این فیلم است که آن را به فیلم منتخب تماشاگران سی و هفتمین جشنواره‌ی فیلم فجر تبدیل کرده است.

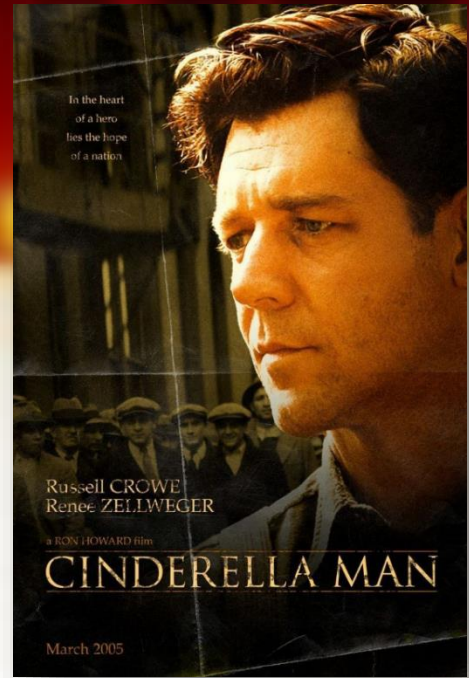
متری شش و نیم در نگاه اول سعی در نشان دادن فقر و مشکلات ناشی از آن ندارد اما هرچه به انتهای فیلم نزدیک‌تر می‌شویم فقر را عامل مهمی در وقوع رخدادها می‌بینیم. شخصیت‌پردازی درست و منطقی فیلم که ناصر خاکزاد با بازی نویدمحمدزاده یکی از آنهاست، او در ابتدا شخصیتی کاملاً سیاه است که برای نجات خود دست به هر کاری می‌زند، شخصیتی که اخلاق برایش مفهومی ندارد، فردی غیرقابل اعتماد که مخاطب حرف‌هایش را باور نمی‌کند اما به تدریج، از صحنه‌ای که شلنگ آب را به درخواست بازداشت‌شدگان روی آن‌ها می‌گیرد با جنبه‌ی دیگری از شخصیت او آشنا می‌شویم. سروکله‌ی فقر در دیالوگ‌های او با وکیلش در فیلم پیدا می‌شود، از فقری که در آن زندگی کرده است می‌گوید؛ شخصی که برای نجات خانواده‌اش از فقر دست به قاچاق مواد مخدر زده است. روستایی به‌خوبی از زبان او ملازمت فقر فرهنگی و فقر اقتصادی را بیان می‌کند.

عمق رنجی که از فقر برده است را می‌توان زمانی دید که می‌فهمد اعدامش قطعی است، از وکیلش می‌خواهد جلوی صادره خانه‌اش را بگیرد تا کودکان خانواده‌اش در محیطی که خودش رشد کرده است، بزرگ نشوند و سرنوشت متفاوتی داشته باشند. چهره‌ی او موقع دیدن حرکات ژیمناستیک برادرزاده‌اش و ناراحتی او از ناتمام ماندن تحصیلات خواهرزاده‌هایش در کانادا نگاه به آینده را نشان می‌دهد.

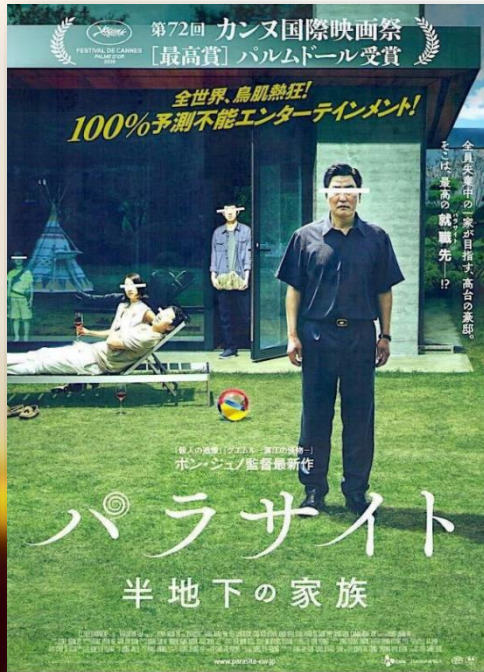
شیوا شاکری



Capharnaüm  
(nadinelabaki)



Cinderella man  
(Ron Howard)



Parasite  
(봉준호)



Platform  
(Galder Gaztelu-Urrutia)

بخش

# اجتماعی

آثار فقر و تهی‌دستی در کلام امام علی (ع)

فقر، بحرانی تمام‌نشدنی

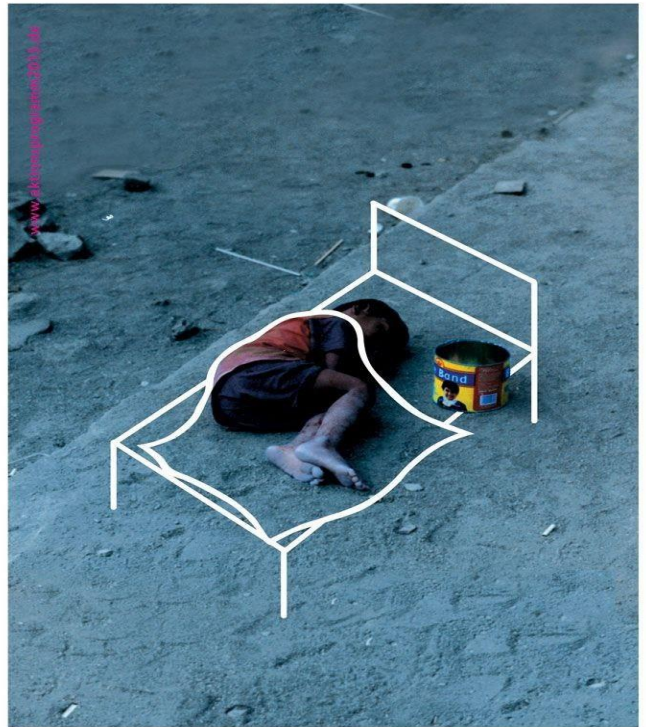
فقر و نابرابری

فقر، لابلای خطوط کتاب تاریخ

و ...

## آثار فقر و تهی دستی در کلام امام علی (ع)

مجید رستگاری



هدی (علیهم السلام) به ما رسیده به خوبی استفاده می‌شود که اسلام برای مسئله فقرزدایی اهمیت بسیار قائل است. در حدیث معروف رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) که در کتاب کافی آمده است می‌خوانیم: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا، نَزْدِيكَ اسْتِ كِه فِقْرِ اِنْسَانِ رَا بِه مَرَحَلَه كَفْرٍ بَرَسَانِدْ». دلیل همه این است که فقر زمینه انواع انحرافات عقیدتی و اخلاقی را به ویژه در وجود افراد کم ظرفیت فراهم می‌سازد. بسیار دیده شده است که افراد فقیر کلمات کفرآمیز بر زبان جاری می‌کنند و هنگامی که زن و فرزند خود را گرسنه می‌بینند دست به هر کاری می‌زنند، قوانین اجتماعی را می‌شکنند، آداب و اخلاق انسانی را به فراموشی می‌سپارند و برای رفع فقر خود هر کاری را مجاز می‌دانند و اگر شخص فقیر کم ظرفیت واقعا کافر نشود، به مرز کفر نزدیک می‌شود و حداقل رضایت به قضای الهی را از دست می‌دهد. این احتمال نیز می‌رود که مراد از کفر، کفر عملی باشد که همان آلوده شدن به انواع معصیت هاست. تعبیر به «الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ، مَرگ بزرگ‌تر» اشاره به این است که انسان به هنگام مرگ حداقل از مشکلات این جهان آسوده می‌شود در حالی که فقیری که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند گویی پیوسته در حال جان دادن است. بنابراین همان گونه که ما به هنگام بیماری و تهدید به مرگ جسمانی به دنبال طبیب و درمان به هر سو می‌رویم، به هنگامی که فقر دامان فرد یا جامعه را می‌گیرد نیز باید برای نجات از آن تلاش و کوشش کنیم.

**نکته‌ها:** فقرزدایی در تعلیمات اسلام: اسلام تنها ناظر به زندگی جاویدان آخرت نیست بلکه به زندگی آبرومند این دنیا که مقدمه‌ای برای آن است، اهتمام فوق العاده‌ای دارد. اسلام مسئله فقرزدایی را یکی از مهم‌ترین دستورات خود قرار داده و راهکارهای آن را نشان داده است. از یک طرف همه را به سعی و کوشش و کسب و کار دستور می‌دهد؛ جوان بیکار را بی منزلت می‌شمرد و ادای حق کارگران و کارمندان را از مهم‌ترین واجبات می‌داند، کار را از مهم‌ترین عبادات قلمداد می‌کند، کارگر خسته در حال خواب را در حال عبادت می‌داند تا آنجا که توجه به معیشت و زندگی مادی را کفاره مهم‌ترین گناهان ذکر می‌کند. چنان که در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌خوانیم: «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يَكْفُرُهَا قَالَ الْهَمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ، بَعْضِي از گناهان است که نماز و صدقه و

امام علی (ع) در گفتار کوتاه و حکیمانه خود به آثار زیان‌بار فقر و تهیدستی اشاره کرده‌اند و می‌فرمایند: «فقر مرگ بزرگ‌تر است»، (الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ) (شرح و تفسیر حکمت ۱۶۳ نهج البلاغه) در مورد نکوهش فقر در همین کلمات قصار تعبیرات متعددی دیده می‌شود، از جمله در حکمت ۳ آمده است: «وَالْفَقْرُ يَخْرِسُ الْفُطَيْنَ عَنِ حُجَّتِهِ، فقر، انسان هوشمند را از بیان دلیل و حجت خود گنگ می‌سازد». و در حکمت ۵۶ آمده است: «وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ، فقر حتی در وطنش غریب است». و در حکمت ۳۱۹ می‌خوانیم: «فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ! مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ، فقر سبب نقصان دین و مشوش شدن عقل و جلب کینه می‌گردد». و در حکمت ۳۷۲ آمده است: «إِذَا بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، هرگاه اغنیا از کمک به دیگران بخل بورزند فقرا آخرت خود را به دنیایشان می‌فروشند» از مجموع این کلمات حکیمانه با سایر روایاتی که از رسول خدا و ائمه

زکات هم نمی‌تواند آن را جبران کند. عرض داشتند ای رسول خدا! پس چه چیز آن را جبران می‌کند؟ فرمود: به فکر معیشت و زندگی بودن و برای آن تلاش کردن». از طرف دیگر نیز به این نکته اشاره می‌کند که خداوند امکانات کافی در روی زمین برای حل مشکل فقر آفریده است. چنان که در حدیث معروفی می‌خوانیم: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَابْعَدَهُ اللَّهُ، دُورُ بَادٍ أَوْ رَحْمَتُ خُودَا كَسَى كَهَ آبٍ وَ زَمِينِي بِهَ دَسْتِ أَوْرَدَ وَ بَازِ هَمَّ فَقِيرٍ بَاشِدْ». از سویی دیگر امام علی(ع) به حکومت اسلامی توصیه می‌کند که مسئله فقرزدایی را در رأس کارهای خود قرار دهد و با استفاده از زکات و خمس و انفال و مال الخراج و مبارزه با احتکار و تعیین قیمت در صورت لزوم و دعوت به ساده زیستن با فقر مبارزه کند. امروز نیز اگر جوامع اسلامی بخواهند عزت و احترام و سربلندی و استقلال خویش را باز یابند باید از طریق همکاری با یکدیگر در استفاده از تمام منابعی که خدا به صورت فراوان در اختیار آنان گذاشته است با فقر مبارزه کنند.

پاسخ به یک سؤال: بعضی می‌گویند همان گونه که در روایات بالا و امثال آن به شدت از فقر مذمت شده و حتی فقر مایه روسیاهی در دو جهان شمرده شده است: «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ» در پاره‌ای از روایات نیز از فقر مدح بلیغی شده، از جمله پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ افْتَخِرْتُ» و حتی قرآن مجید همه افراد را مخاطب ساخته می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»، ای مردم شما همگی نیازمند به خدایید» ولی جواب آن روشن است، زیرا آنچه مایه افتخار انسان است فقر الی الله است نه فقر در برابر انسان‌ها و به بیان دیگر فخر و افتخار این است که انسان خداوند را منبع تمام خیرات بداند و خود را در همه چیزها نیازمند او بشمارد و با امکاناتی که خدا به او داده است از مواهب الهی بهره گیرد. این احتمال نیز هست که منظور از فقر همان زندگی ساده و زاهدانه است که بعضی آن را فقر می‌پندارند ولی انبیا و اولیا به چنین زندگی افتخار می‌کردند همان گونه که مولای ما علی(علیه السلام) به لباس و غذای بسیار ساده افتخار می‌کرد.

مجید رستگاری



بانگاهی به گذشته تاریخ بشر از دیرباز تا به امروز می‌توانیم مشاهده کنیم؛ بشر همواره درگیر مشکلات و مسائلی از جمله مسائل روحی-روانی، اجتماعی و... بوده است.

لذا یکی از مشکلات مهمی که این جوامع از گذشته تا به حال متوجه آن بوده‌اند، مشکل «فقر» است. چه بسا فقر در گذشته به دلیل نبودن مشکلات زیاد کم‌تر وجود داشته است. اما امروزه به دلیل نبودن امکانات کافی، توزیع نابرابر ثروت، استفاده نادرست از سرمایه ملی، مدیریت نادرست، بی‌توجهی مسئولین، خودخواهی، تکبر، دزدی و... رشد چشمگیری داشته است. البته فقر در کشور های توسعه یافته و ابرقدرت جهانی کمتر مورد توجه است اما در برخی از کشورهای مسلمان آسیا به دلیل ورود به نشست و جلسه ملی سازمان ملل متحد و اطاعت نکردن از نقشه های طاغوتی و انسان ستیز دولت های غربی، این دولت ها موجبات شروع تحریم اقتصادی بزرگ رافراهم آوردند. اما از آنجاکه دولت اسلامی برای رسیدن به جامعه آرمانی و اهداف اسلامی خود نمی‌تواند قطعنامه ی تحریم را رد کند و دست صلح به دولت های غربی بدهد، مسئولین کشور و مردم جامعه موظف اند بایکدیگر حداقل همکاری و همدلی لازم را داشته باشند؛ چون فقر به خودی خود مشکلاتی همچون: آوارگی؛ گرسنگی؛ دزدی و فساد در جامعه رابه وجو می آورد .

چراکه: اگر فقر از دری وارد شود؛ ایمان از دری دیگری رود. امام علی «ع» به همین دلیل در شرایطی که عده ای سعی دارند با این فشار اقتصادی، دولت و ملت اسلامی را تضعیف کنند، مردم باید در کنار یکدیگر باشند تا این مشکلات نتواند ایران عزیزمان را نابود کند انشاءالله.

امام علی «ع» به فرزندش محمد بن حنیفیه سفارش کرد: ای فرزند! من از تهی دستی بر توهراسانم، از فقر به خداپناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است «تهج البلاغه- حکمت ۳۱۹»

## نرگس آزادی



I'm hungry



## فقر، بحرانی تمام نشدنی

الهام صدیقی

جامعه انسانی همواره با مشکلات و چالش‌هایی رو به رو بوده و همواره برای بهبود و یا به حداقل رساندن آسیب‌های آن تلاش کرده است. چالش‌های جهانی معمولاً به آرامی شکل می‌گیرند و تحت تاثیر اعمال بشر شکل‌های گوناگون می‌پذیرند.

بحران فقر، یکی از چالش‌هایی است که در چند قرن اخیر بسیار در سطح جهان گسترش پیدا کرده است و انسان‌های زیادی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. می‌توانیم آن را اولین چالشی بدانیم که در جوامع صنعتی بوجود آمده است که آثار آن را در جامعه کنونی نیز می‌توان مشاهده کرد.

یک جامعه سالم باید در زیرساخت‌های موجود به تمامی اقشار خود توجه ویژه و به‌خصوصی داشته باشد و به دنبال توانمند ساختن افراد، متناسب با توانمندی‌هایشان باشد. صرف نظر از این اصل و توجه بیش اندازه به یک واحد از جامعه و عدم رسیدگی به سایر فقر احاد موجود، باعث بوجود آمدن چرخه نامتعادلی می‌شود که یکی از نتایج آن بوجود آمدن فقر در جامعه است. همانطور که می‌دانیم فقر مادی زمینه ساز فقر علمی و در نهایت فقر فرهنگی می‌شود و در آخر پایه‌ها و وجودیت آن جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که یکی از دلایل فروپاشی دولت‌ها چه در گذشته و چه در زمان حال فقر بیان شده است و به این دلیل مسئولین در تلاش برای کنترل این پدیده هستند.

توماس مالتوس درباره فقر این گونه می‌گوید: «انسانی که در دنیای از قبل تملک شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ حقی در برابر دریافت کمترین غذا یا چون و چرا درباره مقام و موقعیت خود ندارد». بر سر سفره گسترده طبیعت جایی برای او وجود ندارد، طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد و این حکم را اجرا می‌کند.

به وضوح می‌توان ناعدالتی را در نوشته او احساس کرد، چه بسا انسان‌هایی که در فقر به دنیا آمده‌اند و با تلاش‌های زیاد به جایگاه ممتازی در جامعه رسیده‌اند و خدمات ارزنده‌ای به جامعه انجام داده‌اند. بنابراین نباید افراد را با ویژگی‌های انتسابی آن‌ها که خود هیچ اراده‌ای در آن نداشته‌اند قضاوت کرد.

متأسفانه امروزه با چرخه ناعادلانه ثروت بیش از نیمی از کشورهای جهان با مسئله فقر مواجه هستند و حتی از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی نیز محرومند. وجود فقر در جامعه پیش زمینه‌ای برای به‌وجود آمدن بسیاری از انحرافات اجتماعی و نابه‌هنجاری‌های فرهنگی است و تهدیدی شدید برای بنیان خانواده‌ها محسوب می‌شود. علی‌رغم برگزار شدن کنفرانس‌های متعدد برای از بین بردن فقر، این موضوع با توجه به جهان کنونی امری ناممکن بنظر می‌رسد ولی در ابعاد کوچک تر، هر انسان به‌عنوان یکی از وظایف اخلاقی و اجتماعی خود باید بعد از بر طرف کردن نیازهای خود به فکر همانند خود نیز باشد و در ابعاد بزرگ تر دولت‌ها و سازمان‌های مسئول باید این موضوع را از اساسی‌ترین دغدغه‌های خود قرار دهند و تا حد ممکن برای برطرف کردن این مشکل که زندگی بسیاری از انسان‌ها را تحت شعاع قرار داده است، تلاش کنند.

## فقر و نابرابری

فائزه چقامیرزایی



قانون‌گریزی، ناهنجاری‌های اجتماعی و... پدیده‌هایی بسیار ملموس و آشنا هستند. شاید زمانی که بحث قانون‌گریزی به میان می‌آید تصویر کوچه‌های تنگ و تاریک، جیب‌برهای جوان و زن‌های خیابانی به ذهن متبادر شود.

تصاویری که از حاکم، قاضی، وزیر و... تا مردم کوچه و خیابان ترجیح می‌دهند آن را نادیده بگیرند، آن هم در حالت خوش‌بینانه. بدیهی است این‌که سرمان را کمی بچرخانیم زحمتش بسیار کمتر است تا بخواهیم دردی را از یک انسان دردمند برطرف کنیم یا قدمی در جهت بهبود اوضاع برداریم.

اما حقیقتی که در پشت این صحنه‌های ناخوشایند است به قدری طاقت‌فرسا است که کمتر انسانی می‌تواند در آن شرایط باشد و قانون‌گریز نشود! یکی از این دلایل و حقایق فقر است.

فقر مسئله‌ی کوچکی نیست، شاید عده‌ای از اعضای جامعه معتقد باشند که فقر توجیهی است برای این اتفاقات، اما این‌گونه نیست چرا که به‌طور واضح تا زمانی که شما غذایی برای خوردن نداشته باشید نمی‌توانید با شکم گرسنه به اصول اخلاقی و انسانی بیندیشید! تا زمانی که سقفی برای زندگی کردن نداشته باشید نمی‌توانید در خیابان‌ها فلسفه‌ی هگل و نیچه را یاد بگیرید یا به این فکر کنید که معنای خوشبختی و عشق چیست! اگر در خانواده‌ای بزهکار متولد شوید به احتمال قوی شما هم در آینده زندان را تجربه خواهید کرد. فقر مادر بدبختی‌های اجتماعی است.

دیدن کودکان کار، زنان خیابانی و اقشار کم‌درآمد و ضعیف بسیار دردناک است؛ افرادی که لایق بهترین‌ها هستند اما در بدترین شرایط به سر می‌برند.

انسان‌هایی شریف که هرچه دویدند نتوانستند برسند، چرا که سرعت حاکمان بی‌کفایت و نظام سرمایه‌داری و نابرابری و طبقه‌بندی و... از آن‌ها بیشتر بود.

به وضع موجود که امیدی نیست اما کاش کودک کار و فقر و دیگر مسائل این‌چنینی واژگانی بی‌معنا بودند شاید در زندگی‌ای دیگر، در جهانی موازی عدالت معنای دیگری داشته باشد.

## فقر؛ لابلای خطوط کتاب تاریخ

معصومه مهدی‌آبادی (لوا)

صدای بلند سکوت در ذهنم فریاد می‌کشد، قلم در دستانم می‌چرخد و کاغذ پیش رویم منتظر سرنوشتی است که برایش تعریف می‌کنم.

قلم اما، نمی‌خواهد تن به این خفت دهد. نوشتن برایش سخت شده است.

هر کار می‌کنم؛ راضی نمی‌شود روی کاغذ جلوتر برود. انگار نمی‌خواهد بنویسد از غم. از گرسنگی. از لبخندهایی که دیده نمی‌شوند. نمی‌خواهد بگوید از وصله و پینه‌های دامن رنگی رنگی دخترک و هیچ طوره رضایت نمی‌دهد انگار، که اشک‌ها و گریه‌ها را نقش بزند روی کاغذ.

لابه‌لای برگ‌های پاییزی کتاب‌های کتابخانه‌ام حرکت می‌کنم و در تلاشم از روی کلمه‌های تلخ بپریم. واژه درمیان پایم گیر می‌کند و زمین می‌خورم. در نهایت تسلیم می‌شوم و می‌گذارم که نظرم جلب شود.

هیبت کربه و منحوسی دستم را می‌گیرد، چشم‌هایم را می‌بندد و مرا با خودش همراه می‌کند.

چشم‌هایم را که باز می‌کنم، در خیابان‌های بارسلون قدیم هستم. جلوی همان مغازه‌ای که دانیل ۱۰ ساله ایستاده است؛ خودنویس پر زرق و برقی را از ویتترین مغازه می‌بیند و قبل از رد شدن آه عمیقی می‌کشد.

هیبت کربه و منحوس دوباره دستم را می‌گیرد و از «سایه باد» عذر مرا می‌خواهد. از قرار معلوم، باید در روستاهای اطراف خراسان، در سفری به خانه مرگان بروم. جایی که آه عمیق ادامه دارد و با وجود «جای خالی سلوچ» بیش از پیش هم به چشم می‌خورد. مرگان، از زیر میز، دانه سنجیدی به دخترش می‌دهد و صدای آهش را در گلو نگه می‌دارد.

صدای مرگان جای دیگری از تاریخ به گوش می‌رسد، در چشمان دخترک سیاه پوستی که روبان‌های رنگی دختر ارباب را می‌بیند و اشک‌هایش را در چشم زندانی می‌کند.

در دستمال خونی کنار پسرکی که ضربات توپ فوتبال دیگر نمی‌گذارند قدم از قدم بردارد.

در شرم‌پداری که برای چندمین بار دور فروشگاه بزرگ می‌چرخد و در تلاش است دست‌های خالی خود را پشت سرش پنهان کند.

در تلاش کودکی که ظرف غذای خالی و سبک خود را زودتر از همه برمی‌دارد و از کلاس بیرون می‌رود، در حسرت چشمان درشت جوانکی در نظاره کردن لباس‌های عروس پشت ویتترین مغازه‌های بزرگ، در درد خواستن و نرسیدن. فقر، همان واژه ایست که حتی در بین خطوط کتاب تاریخ هم دیده می‌شود، حس می‌شود؛ حتی در نفس‌هایمان عطرش به مشام می‌رسد. گاهی آنقدر در گوشه و کناره‌های زندگی خود را نشان می‌دهد که بودنش دیگر حس نمی‌شود.

فقط تلخی است و درد؛ سنگینی روی سینه؛ فقط حس غریب کلافگی.

فقط همان هیبت کربهی ست که ترس و ناامیدی به احترامش سکوت می‌کنند.

همان که برادر کفر است؛ همان که زشتی اش حتی حرکت قلم را نیز به ایست و می‌دارد.

فقر، همان است که تعطیلات ندارد، مرخصی نمی‌دهد و در مناسبت‌های رسمی حتی پرنرنگ تر از همیشه به چشم می‌خورد.

باید از فقر نوشت؛ گفت؛ شنید؛ هرچقدر هم که سخت است و کربه؛

باید از فقر نوشت و گفت و شنید، چون که با یک گونی برنج و یک قوطی روغن؛ حل نمی‌شود. چون که باید بیشتر از این‌ها برایش بی‌اندیشیم؛ و برای جدی‌اندیشیدن؛

باید بیشتر از آن بدانیم.

آن را ببینیم، حس کنیم، و برایش راه حل‌های یک روزه و دو هفته‌ای ندهیم؛ باید با تمام کسانی که از فقر سلاح‌های گرم و سرد بی‌شمار می‌سازند؛ متفاوت باشیم.

فقر، واژه‌ای نیست که همین امروز یا ماه پیش متولد شده باشد.

فقر؛ هیبتی دارد به بزرگی کوه؛ قدمتی به سن تاریخ؛ و قدرتی به اندازه همه جنگ‌های دنیا.

## جنگ با گرسنگی

حمیدرضا غفاریان

غرور دارم من

همیشه با گرسنگی خویش در جنگم

ولی ز مادر خویش آموختم ام این را

که دست گدایی دراز نکنم

به پیش این و آن

به پیش ناکس و کس ولو ز پا افتم

گرسنه ام آری گرسنه ام امروز

سرودم برای کودکان کار

ای بهره ای از خوبان

دریاب ضعیفان را

جنگ با گرسنگی

گرسنه فردایم گرسنه دیروز

گرسنه ام آری گرسنه ام هر روز

گرسنه ام آری گرسنه ام امروز

به خویش نهیب میزنم و به خویش می گویم

که آبروی میر و شرف به لقمه نان

همیشه می جنگم

تمامی روز با گرسنگی خودم

گرسنه ام آری گرسنه ام امروز

به پیش شکم عادت نموده ام دیگر

من و گرسنگی ام کنون همزادیم

من و گرسنگی ام همسفر شده ایم

چو سایه فقر با تمام وجود

بر سر خانه لنگر اندازد

دگر چه هراس از سفره خالی

درون سطل زباله را گشتن

برای جستن نیم خورده از نانی

گرسنه ام آری گرسنه ام امروز

گرسنه ام اما شرافتم بر جای

کودک کارم

## تو بر ایمان بگو

از نظر من فقر عامل خیلی از مشکلات موجود در جامعه است و متأسفانه نه تنها تلاشی برای رفع شدن اون نمی‌شه بلکه روز به روز داره در سطح جامعه گسترده تر میشه و مردم بیشتری اذیت میشن.

«سینا»

از نظر من برطرف کردن نیاز های مادی امر اساسی برای ثبات اخلاقی انسان هاست. حتی موقع گرسنگی عادی هم خلق و خوی ما تغییر میکنه چه برسه زمانی که حداقل نیاز های موجود رو هم فرد نداره. پس طبیعیه برای ارضا کردن نیاز هاش توجهی به اصول اخلاقی جامعه نداشته باشه و حتی اون ها رو زیر پا بذاره.

به‌جای توییح و قضاوت کردن این افراد باید به ریشه رفتار اون ها نگاه کنیم شاید اگر ما هم در شرایط اون بودیم دست به همچین کاری می‌زدیم.

دولت به‌عنوان یک قدرت اصلی در یک جامعه باید شرایط کار و توانمندسازی افراد رو ایجاد کنه و با برنامه های خودش فقر رو به کمترین میزان خودش برسونه

«مریم»

مشکل فقر ریشه تاریخی داره. هر زمانی رو که در نظر بگیریم، در اون کسایی بودن که از زحمات و تلاش دیگران برای خودشون پلی ساختن و به موفقیت رسیدن و همیشه یک نظم ناعادلانه فقیر و غنی وجود داشته، البته این مرز در طول تاریخ کم و زیاد شده اما همیشه یه عده بنام فقیر و به عده بعنوان غنی وجود داشتند و از نظر من هیچ وقت این نظام از بین نمیره شاید بشه بهبود ببخشیمش!

«مینا»

به شخصه دیدن افرادی که دغدغه نان شب رو دارن برام سخته. اما متأسفانه فقر در جامعه ما همه‌گیر شده و کمتر کسی رو پیدا میکنی که بشه گفت هیچ مشکل مالی نداره. تنها چیزی که می‌تونه ما رو از این بحران نجات بده توزیع مناسب درآمدی که بدون وجود یک سیستم کارآمد امکان پذیر نخواهد بود.

«مهدی»